سعادت گستر یعنی حضرت رسالت پناه صلی الله علیه وعلی آله واصحابه بسبب ورود
ویمن نزول یافت ودرود بی نهایت وصلوات بیغایت برین سرور مهتر
وبهتر اولاد ابوالبشر که محبان وپیروان سنت سنیهٔ آن حضرت فرمود
بسبب وجود شریف وعنصر لطیف او وببرکت متابعت دین قویم و
شرع مستقیم او هریک درین امت چراغی گشته اند رضوان الله تعالی علیهم
اجمعین اما بعد از حمد حضرت پروردگار ودرود بر احمد مختار چنین گوید بندهٔ بی بضاعت
وسرگشتهٔ وادی ندامت محمد بن شیخ محمد سرفرازی که مدت مدید وعهد بعید
پای سلامت بر سنگ ملامت زدم ودر طلب اوراد و ماثوره که
علماء سلف را ورد بوده است بچنگ آرم تا بعد از مدت هشت سال از
خروج وطن بمکهٔ معظمه زادها الله شرفها رسیدم واستفسار این معنی مینمودم تا
عزیزی از وطن مجاور بود گفت در مدینهٔ شریفهٔ حضرت رسالت پناه صلعم
کتابی بزبان فارسی وعرب را از ان خطی نیست وغالبا خواص آیات کلام
ربانی وخاصیت سورهٔ تنزیل اسما است چون طلب دعای مصحح میکردم خبر شرح
شنودم قرار نا گرفته همراه جمعی متوجه یثرب گشتم وشب وروز قرارم نبود تا بوصل
آن محبوب جان ومقصود دوجهانی رسیدم دیدم جزوی چند از تصنیف
حضرت امام همام شارح آیات کلام طالب رضای ملک علام احمد بن محمد
بن ابراهیم التمیمی که آنرا جواهر القرآن نام کرده واین بدست مردی افتاده

که مطلقا فارسی نمیداند و خط نمیتواند خواند چون بدیدم دل براو بستم و با نشک تحفه ان دررا
از چنگ مرد فرومایه بیرون آوردم و باز عزیمت بیت الله نمودم و بشکرانهٔ این
نعمت مجاور بودم و از مطالعه نیاسودم مکرر از اول تا آخر و از ابتدا تا انتها در نظر
آورده دیدم که مصنف از فاتحة الکتاب تا سورة الناس بترتیب سوره و
آیات خواص آن نوشته و کذا نشته بخاطر بنده رسید که هر طالب حاجات را
که مهمی روی نماید هر آیتی کجا جوید و اگر چند آیت بجهت حصول مراد خواند باید بچه عدد
خواند از باطن انبیا و ارواحانیت علمای سلف قدس الله اسرارهم استمداد نموده
چند اوراد ترتیب دادم و هر ورد بر الطریق استادان کرام مقدم که عدد معین کرده اند
عدد کر قسم کبیر و وسط و صغیر و خاتم و خاتم خاتم و در هر عددی آیات معین ساخته
به بیاض بردم و اغالب آیات بعددی قیام نموده اثری عظیم کردم و در صحت حصول
آن هیچ شکی و ریبی نیست و این را تحفة الغرائب نام نهادم و بالله التوفیق و باب
این موافق اسماء دوازده امام صلوات الله علیهم اجمعین و شهور سنه و بروج فلکی
و بالله العصمة باب اول در کشف قلوب و قبور و صفای ظاهر و باطن و اظهار
مغیبات و علم لدنی چون خواهد که بدین علم شریف مطلع گردد در مدت یکصد و بیست روز
ختم این آیات با تمام رساند عدد کبیر این شصت و پنجهزار و یکصد و شصت بار است
در این ایام هر روز پیش از طلوع صبح صادق و بعد از طلوع پانصد و چهل و سه بار بخواند
ایام ختم با تمام نارسیده ابواب علوم غریبه از مکاشفات و مغیبات بروی مفتوح

گردد واگر هر شب گردد عدد وسطا او سبک مجلس هفصد ونود وچهار نوبت در خلوت
بخواند وبخور بسوزد از علم ادریس ودانیال صلوات الرحمن علیهما بابهره گردد وخلوت
وعزلت وصوم وسکوت لازم این وردست واگر تواند بعدد خاتم هر روز چهارده
نوبت بخواند تا چهل روز از کشف ومغیبات وکیمیا وهندسه ورویت ارواح
وظهور عجائب وغرائب بر باطن او جلوه کند واز جهة کشف حساب ومعقولات
ووقوف ضمایر الناس وخبر از عالم وفتح مشکلات کلی بنویسد بر ورق زیتون
بمشک وزعفران وفرو شوید بآب باران نیسانی ودر شیشه کند وچهل روز هر روز
قدری بیاشامد ودر شربت یا طعام بعد از آنکه عدد صغیر نه بارست بر آن طعام
یا شربت خواند چون اربعین باتمام رسد شب چهارشنبه وپنجشنبه وجمعه این آیات
را هفت نوبت که خاتم خاتم ست بخواند جمعی از عالم غیب بر وظاهر گردند ودر
امور مشکلات او را رهنمونی کنند وبعدد خاتم خاتم هر روز بخواند مفید بود وخواص این
آیات در اجزا زیاده بود اما درین نسخه بدین قدر اختصار افتاده والله العصمة آیات
این ست والتوفیق بسم الله الرحمن الرحیم الم الله لا اله الا هو الحی القیوم نزل علیک
الکتاب بالحق مصدقا لما بین یدیه وانزل التوریة والانجیل من قبل هدی للناس
وانزل الفرقان ان الذین کفروا بآیات الله لهم عذاب شدید والله عزیز ذو انتقام
قل اللهم مالک الملک تؤتی الملک من تشاء وتنزع الملک ممن تشاء وتعز من تشاء
وتذل من تشاء بیدک الخیر انک علی کل شیء قدیر تولج اللیل فی النهار وتولج النهار

فی اللیل

في الليل وتخرج الحي من الميت وتخرج الميت من الحي وترزق من تشاء بغير حساب
وعنده مفاتح الغيب لا يعلمها الا هو ويعلم ما في البر والبحر وما تسقط من ورقة الا يعلمها
ولا حبة في ظلمات الارض ولا رطب ولا يابس الا في كتاب مبين الر كتاب
احكمت آياته ثم فصلت من لدن حكيم خبير واما الجدار فكان لغلامين يتيمين في
المدينة وكان تحته كنز لهما وكان ابوهما صالحا فاراد ربك ان يبلغا اشدهما ويستخرجا
كنزهما رحمة من ربك اقترب للناس حسابهم وهم في غفلة معرضون الله نور السموات
والارض مثل نوره كمشكوة فيها مصباح المصباح في زجاجة الزجاجة كانها كوكب
دري توقد من شجرة مباركة زيتونة لا شرقية ولا غربية يكاد زيتها يضيء ولو لم تمسسه نار
نور على نور يهدي الله لنوره من يشاء ويضرب الله الامثال للناس والله بكل شيء
عليم باب دوم در طلب جاه ومناصب عالی وتسخیر قلوب سلاطین وعوام الناس
وبجهت حصول این امور بعدد کبیر این اوراد که پنجاه وهفت هزار و دویست وسی نوبت
ست در مدت یکصد وبیست روز هر روز چهار صد وهفتاد وهفت بار و در روز
آخر که ختم با تمام رسد شیرینی تصدق کند وهنوز با تمام نارسیده او را اجابت
معلوم کردد اما باید که تمام کند تا دران عمل مقیم باشند واگر بعدد کبیر نتواند خواند عدد وسط
بیک مجلس هشتصد وهشتاد وهشت نوبت بخواند وعدد صغیر هفت ست وخاتم ده عدد
ست وخاتم خاتم سه نوبت ست اما خاتم را جهر باید خواند وخاتم خاتم را ورد باید
کرد تا بجا منصب عالی برسد وخواص این آیات یکی آن ست که اگر کسی از عمل معزول

شده باشکوه واز سلاطین متوهم باشند و خواهد که سلطان عصر را مسخر گرداند
و در نظر عوام الناس عزیز باشند بقرائت این آیات مداومت نماید مولف
نسخه اصل محمد تمیمی رح گوید که مرا عمی بود در پیش خلیفه مقرب بود غماز بی
نی گردند و او معزول شد و محبوس گردانید و بروی خشم گرفت بحیثیتیکه دل بر قتل و
نهاد این آیات را نوشته بنزدیک او فرستادم که بمداومت قیام نماید
چنین کرد شب سیم خلیفه او را در خواب خشمناک دید خلاصش کرد و بجاه
عالی رسانید و چند منصب دیگرش داد و زندانیان را بطفیل او نجات داد چون
کسی خواهد که در نظر سلاطین عزیز و مکرم باشد و مقبول القول شود بقرائت کریمه
مداومت نماید ملوک و اشراف و اکابر دیار مطیع وی گردند و مرتبه اش بلند گردد
و ترک اختلاط وحوش و طیور و موذیات مطیع و منقاد او گردند و از مخلوقات
هیچیک سر از فرمان او نتابند و خواص این آیات بسیار است اما بدین قدر
اختصار افتاد تا قاری را آسان بود و قیام نماید و آیات این است بسم الله الرحمن الرحیم
الحمد لله تا آخر بعده و اذ قال ربک للملائکة انی جاعل فی الارض خلیفة قالوا اتجعل فیها
من یفسد ویسفک الدماء ونحن نسبح بحمدک ونقدس لک قال انی اعلم ما لا تعلمون
وعلم آدم الاسماء کلها ثم عرضهم علی الملائکة فقال انبئونی باسماء هؤلاء ان کنتم
صادقین قالوا سبحانک لا علم لنا الا ما علمتنا انک انت العلیم الحکیم
وتلک حجتنا آتیناها ابراهیم علی قومه نرفع درجات من نشاء ان ربک حکیم علیم

٢٦

علیم لقد جاءکم رسول من انفسکم عزیز علیه ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین رؤف
رحیم فان تولوا فقل حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت وهو رب العرش العظیم وقال
الملک ائتونی به استخلصه لنفسی فلما کلمه قال انک الیوم لدینا مکین امین قال اجعلنی
علی خزائن الارض انی حفیظ علیم وکذلک مکنا لیوسف فی الارض یتبوء منها
حیث یشاء نصیب برحمتنا من نشاء ولا نضیع اجر المحسنین واذکر فی
الکتاب ادریس انه کان صدیقا نبیا ورفعناه مکانا علیا اولئک الذین
انعم الله علیهم من النبیین من ذریة آدم وممن حملنا مع نوح ومن ذریة ابراهیم واسرائیل
وممن هدینا واجتبینا اذا تتلی علیهم آیات الرحمن خروا سجدا وبکیا باب سیم
در گشایش کارها و فتح رزق و فتوحات و توانگری و دفع فقر و درویشی و غیر آن
هر درویش حال و دست تنگ که بحال خود فرومانده و مضطر گشته که باین
ورد قیام نماید در مدت یکصد و بیست روز عدد کبیر او که پنجاه و هفت هزار و پانصد
و بیست و یک عدد است باتمام رسد هر روز چهار صد و چهل و دو نوبت بخواند
ابواب فتوحات بروی گشاده شود و نعم متواتر بر ورسد و هیچکس محتاج
نگردد و عدد وسیط او بیک مجلس هشتصد و هشتاد و نه بار است اگر این میسر
نشود بعدد صغیر ورد کند هر روز پیش از آنکه سخن گوید بعد از نماز بامداد دو نوبت
بخواند و اگر در بلاد خشک سال و قحطی بود نعوذ بالله و یک کس باین ورد قیام
نتواند نمود چند کس بخوانند در خیر و برکت بران ملک گشاده گردد و جمعیت

زیاده گردد و هر درویش حال که دران دیار بود توانگر گردد و اگر در شب جمعه غرهٔ
هر ماه که عشر بند بیست و یکبار بخواند به نیت گشاده بخت بستهٔ آن بگشاید و
بدولت بزرگ رسد و اگر بعد از نماز شام این آیات را بر کاغذ مهره زده بنویسد
و با خود دارد دران دولت مستقیم بماند و هر روز سعادت او زیاده شود و دیگر
روی درویشی نه بیند و نافع خلق گردد و خواص این آیات زیاده است اما بدین
قدر اختصار افتاد آیات این است بسم الله الرحمن الرحیم فاتحة الکتاب بعده
قال عیسی ابن مریم اللهم ربنا انزل علینا مائدة من السماء تکون لنا عیدا لاولنا
وآخرنا وآیة منک وارزقنا وانت خیر الرازقین ولقد مکناکم فی الارض وجعلنا
لکم فیها معایش قلیلا ما تشکرون والارض مددناها والقینا فیها رواسی وانبتنا
فیها من کل شیء موزون وجعلنا لکم فیها معایش ومن لستم له برازقین وان من
شیء الا عندنا خزائنه وما ننزله الا بقدر معلوم الحمد لله الذی انزل علی عبده
الکتاب ولم یجعل له عوجا قیما لینذر بأسا شدیدا من لدنه ویبشر المؤمنین
الذین یعملون الصالحات ان لهم اجرا حسنا ماکثین فیها ابدا قل کل متربص
فتربصوا فستعلمون من اصحاب الصراط السوی ومن اهتدی الم تر ان الله
انزل من السماء فتصبح الارض مخضرة ان الله لطیف خبیر ان الله
هو الرزاق ذو القوة المتین ومن یتق الله یجعل له مخرجا ویرزقه من حیث لا یحتسب
ومن یتوکل علی الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله لکل شیء قدرا

لینفق

لینفق ذو سعة من سعته ومن قدر علیه رزقه فلینفق مما اتاه الله لا یکلف نفساً الا ما اتاها

آتیها سیجعل الله بعد عسر یسرا کلا ان الکتاب الابرار لفی علیین وما ادریک

ما علیون کتاب مرقوم یشهده المقربون باب چهارم در دفع امراض و بیماریی

که در معالجهٔ آن عاجز شده باشند اگر کسی را مرض شده باشد چون لقوه و فالج

و جذام و برص و غیره نعوذ بالله چنانک در حبل المتین این اوراد کریمه زند و در مدت

یکصد و بیست روز بعدد کبیر بخواند و عدد کبیر چهل هزار و یکصد و هشتاد و یکبار است

و درین ایام هر روز سیصد و سی و نه بار است و اگر این عدد نتواند که تمام نمی تواند

بعدد وسیط در یک مجلس ششصد و ده نوبت بخواند از امراض دیرینه صحت باید

و اگر نتواند بعدد صغیر هر روز هشت نوبت بخواند رنجور نگردد و اگر بعدد خاتم هر روز پنجبار

بخواند و شب و روز میخوانده باشد و اگر بیک مجلس نصاب کند و سیصد و چهل و

چهار نوبت بخواند و بنویسد و با خود دارد به مشک و زعفران و گاه گاه صاحب علت

در وی نگرد و او را دو بخواند دفع مرض و رنجوری شود و دیگر بیمار نگردد و مشهور است که شخصی از اکابر

مریض بود و دران بعلاج بود و مضطر گشته بود هیچ صحت نیافت شبی جمال جهان آرای

حضرت رسالت پناه صلعم بخواب دید گفت یا رسول الله از بیماری شکایت نمیکنم اما

نماز برپای نمیتوانم داشت ازان شکایت میکنم حضرت فرمود بخوان شش آیه شفا که

در قرآنست چون از خواب بیدار شد و ختم قرآن ابتدا کرد و شش آیه جمع کرده ورد

خود ساخت صحت یافت او راد کریمه را در میان فرض و سنت نماز بامداد بخواند

خوب صحت خواهد بود و بزودی اجابت شود بسم الله الرحمن الرحیم فاتحه الکتاب بعده

ولکل وجهة هو مولیها فاستبقوا الخیرات اینما تکونوا یأت بکم الله جمیعاً ان الله

علی کل شیء قدیر وینصرکم علیهم ویشف صدور قوم مؤمنین یا ایها الناس قد جاءتکم

موعظة من ربکم وشفاء لما فی الصدور وهدی ورحمة للمؤمنین یخرج من بطونها شراب

مختلف الوانه فیه شفاء للناس ان فی ذالک لآیة لقوم یتفکرون وننزل من

القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنین ولا یزید الظالمین الا خسارا کهیعص ذکر رحمة ربک

عبده زکریا اذ نادی ربه نداء خفیا قال رب انی وهن العظم منی واشتعل الرأس شیبا

ولم اکن بدعائک رب شقیا واذا مرضت فهو یشفین قل هو للذین آمنوا هدی و

شفاء والذین لا یؤمنون فی آذانهم وقر وهو علیهم عمی اولئک ینادون من مکان بعید

باب پنجم در دفع سحر وجن وام الصبیان وصرع وفتح دستکی ودفع چشم زخم خواص

این آیات کریمه آن است که اگر کسی را گرفته باشد وبهیچ وجه علاج نشود چون از ان بهوش

آید و تواند خواند باین ورد قیام نماید واگر نتواند خواند کسی را بوجه حلال اجاره گیرد تا برای

وی بخواند و بروی دمد صحت یابد واگر بخواندن میسر نباشد بنویسد و بر مصروع بندد و

شفا یابد واگر کسی را سحر کرده باشند یا از جن وارواح آسیب رسیده باشد

بهمین نوع عمل کند و مرض ام الصبیان بر چوب عود خواند و در زیر دامن کودک

دود کند و بر والای زرد نویسد به مشک و زعفران و بر سحر کرده بندد دفع شود عدد کبیر

این اوراد هشتاد هزار سیصد و چهل و نه بار است در مدت ده بیست روز باید خواند

هر روز سیصد و شصت و پنج نوبت و در روز جمعه سیصد و شصت و شش بار
ورد کند و سه روز آخر سیصد و هفتاد و یکبار بخواند هنوز با تمام نارسیده آثار صحت
مشاهده کند و دیگر سحر روی کار نکند و اگر بجد کبیر خواند بعدد وسیط بیک مجلس نهصد و هشتاد
و هشت بار بخواند و اگر این نیز میسر نشود بعدد خاتم شش بار یا خاتم خاتم هر روز چهار بار بخواند
دفع مرض و علل و سحر و جمیع امراض گردد بسم الله الرحمن الرحیم فاتحة الکتاب بعده یا ایها
الذین آمنوا اصبروا وصابروا ورابطوا واتقوا الله لعلکم تفلحون ومن یخرج من بیته مهاجرا الی الله ورسوله
ثم یدرکه الموت فقد وقع اجره علی الله ربی وربکم ما من دابة الا هو آخذ بناصیتها ان ربی
علی صراط مستقیم فان تولوا فقد ابلغتکم ما ارسلت به الیکم ویستخلف ربی قوما غیرکم
ولا تضرونه شیئا ان ربی علی کل شیء حفیظ وقل جاء الحق وزهق الباطل ان الباطل
کان زهوقا قالوا ربنا غلبت علینا شقوتنا وکنا قوما ضالین ربنا اخرجنا منها فانها
ظالمون قال اخسئوا فیها ولا تکلمون الم احسب الناس ان یترکوا ان یقولوا آمنا وهم
لا یفتنون ولقد فتنا الذین من قبلهم فلیعلمن الله الذین صدقوا ولیعلمن الکاذبین ام
حسب الذین یعملون السیئات ان یسبقونا ساء ما یحکمون من کان یرجوا لقاء الله
فان اجل الله لآت وهو السمیع العلیم لو انزلنا هذا القرآن علی جبل لرایته خاشعا متصدعا
من خشیة الله وتلک الامثال نضربها للناس لعلکم یتفکرون هو الله الذی لا اله الا هو عالم
الغیب والشهادة هو الرحمن الرحیم هو الله الذی لا اله الا هو الملک القدوس السلام
المؤمن المهیمن العزیز الجبار المتکبر سبحان الله عما یشرکون هو الله الخالق الباری المصور

له الاسماء الحسنی یسبح له ما فی السموات والارض وهو العزیز الحکیم باب ششم در دفع
دشمنان و جلوداران و موذیان و مقهور شدن اعدا و رام شدن موذیان برین نیت
جلوا بخوانند بعدد کبیر و آن دو هزار و دویست و پنجاه و سه بار است و تصدق کنند
بفقرا اما اگر برین عدد بر جلوا نتوانند خواند در مدت پنجاه روز این ختم را باتمام رسانند
و در هر جمعه چهل و پنجبار بخوانند و اگر خواهد بیک مجلس عدد وسیط خواند که آن یکصد
و سی و پنجبار است عدد صغیر هفت بار و خاتم ده نوبت است و خاتم خاتم یکبار
و بهر عدد که باین اوراد قیام نماید دشمن مقهور گردد اما عدد کبیر و وسیط که مذکور شده
ده روز هر روز ده بار بهر نیت که خواند دشمن مقهور گردد و قاری مظفر آید و دیگر هیچکس
با وی دشمنی و عداوت نتواند کرد محمد تمیمی رح گوید وقتی در سفر جمعی حرامیان مرا گرفتند
و هر چه از رخوت با من بود ببردند و قصد قتل من کردند و مصحف حمایل داشتم خواستم
که دو رکعت نماز گذارم اما از ایشان منهدم بودم نماز گذاردم و کلام بگشادم آیتی که
درین آیات مندرج است برآمد ابتدای خواندن کردم جمعی حاضر گشتند بر اسبان
ابلق سوار و عمامهای سپید بر سر نهاده و جامهای سبز در بر پوشیده و بهر موضع آن
زمین که سم اسب ایشان رسیدی سبز گشتی و آب روان شدی دانستم که این
فرشتگانند تیغهای برکشیدند و آن بدبختان را یکان یکان هلاک کردند و مر الفتند
یا تمیمی چون در دست ظالمان گرفتار گردی یا مقید باشی یا کسی در دست خصمی گرفتار باشد
و این ورد بخواند و برای هر غم و مهمات کلی و خلاصی از جنگ عدو و از زبان بدگویان
ورد کار ارین

وردی ازین اوراد بهتر نیست و هم تمیمی گوید بارها بجهة غمهای کلی و کارهای مشکل تجربه

کردم و زود نجات یافتم و اگر خواهد از نظر دشمن غایب شود چون خصم از دور پیدا شود

بیک جانب رود و این ورد را بنداکند و بخواند و باد بر خود دمد دشمن او را نه بیند و آزموده

است و از برای قهر اعدا شب سه شنبه در میان دو قبر کهنه رود و رو بجانب جنوب و

پشت بجانب شمال این ورد را بعدد خاتم بخواند البته خصم نابود گردد و اگر لشکر بزرگ

روی بشهر آورند و خواهند آنجا محاصره کنند و اتمام ختم میسر نگردد از چهار جانب قبر

کهنه و چهار راه و چهار در مسجد قدری خاک بردارند و این آیات را هفت بار بر آن

خاک خوانند و بجانب لشکرها پاشند در وقت طلوع آفتاب البته منهزم گردند

بسم الله الرحمن الرحیم و اذ اخذنا میثاقکم و رفعنا فوقکم الطور خذوا ما آتیناکم بقوة

واسمعوا قالوا سمعنا و عصینا و اشربوا فی قلوبهم العجل بکفرهم قل بئسما یأمرکم به

ایمانکم ان کنتم مؤمنین آمن الرسول بما انزل الیه من ربه والمؤمنون کل آمن

بالله و ملائکته وکتبه ورسله بین احد من رسله وقالوا سمعنا واطعنا

غفرانک ربنا والیک المصیر لا یکلف الله نفسا الا وسعها لها ما کسبت

ربنا لا تؤاخذنا ان نسینا او اخطانا ربنا ولا تحمل علینا اصرا کما حملته علی الذین

من قبلنا ربنا ولا تحملنا ما لا طاقة لنا به واعف عنا واغفر لنا وارحمنا

انت مولینا فانصرنا علی القوم الکافرین. واعتصموا بحبل الله جمیعا ولا تفرقوا

واذکروا نعمة الله علیکم اذ کنتم اعداء فالف بین قلوبکم فاصبحتم بنعمته اخوانا

على شفا من النار فانقذكم منها كذلك يبين الله لكم لعلكم تهتدون قل ارايتم ان اخذ الله

سمعكم وابصاركم وختم على قلوبكم من اله غير الله ياتيكم به انظر كيف نصرف الآيات

لعلكم ثم هم يصدفون اذ تستغيثون ربكم فاستجاب لكم انى ممدكم من الملائكة مردفين و

ما جعله الله الا بشرى ولتطمئن به قلوبكم وما النصر الا من عند الله ان الله عزيز حكيم وعنت

الوجوه للحى القيوم وقد خاب من حمل ظلما ومن يعمل من الصالحات وهو مؤمن فلا يخاف

ظلما ولا هضما فخسفنا به وبداره الارض فما كان له من فئة ينصرونه من دون الله وكان

من المنتصرين وجعلنا من بين ايديهم سدا ومن خلفهم سدا فاغشيناهم فهم لا يبصرون

سلام قولا من رب رحيم اقتربت الساعة وانشق القمر وان يروا آية يعرضوا و

يقولوا سحر مستمر وكذبوا واتبعوا اهواءهم وكل امر مستقر ولقد جاءهم من الانباء ما فيه مزدجر

حكمة بالغة فما تغنى النذر فتول عنهم يوم يدع الداع الى شىء نكر خشعا ابصارهم يخرجون من الاجداث

كانهم جراد منتشر مهطعين الى الداع يقول الكافرون هذا يوم عسر كذبت قبلهم قوم نوح

فكذبوا عبدنا وقالوا مجنون وازدجر فدعا ربه انى مغلوب فانتصر ففتحنا ابواب السماء بماء

منهمر وفجرنا الارض عيونا فالتقى الماء على امر قد قدر

باب هشتم در بیان رغبت گذاردن

قرض و حفظ بدن و ایمن بودن از نکبات این آیات معظمه جهة حصول مرادات و ادای

قرض و حفظ بدن و در آمدن اموال مداومت نماید در مدت یکصد و هشتاد روز

و هر روز سیصد و سی و سه بار و روز جمعه هفتصد و نود و نه بار و در روز جمعه آخر هشتصد بار است

بخواند چنانچه در این مدت هفتاد و دو هزار و پانصد و نود و نه بار که عدد کبیر است تمام

ان شد

رساند بهر نیتیکه خواهد البته با تمام نا رسیده مقصودش حاصل گردد اما تمام کند تا استقامت
مراد ببیند و اگر در یکروز بعدد وسیط بخواند که پانصد و نه بار است صاحب حال شود که
هرگز درویش و دلتنگ نشود و ادای قرض شود و سحر بروی کار نکند و اگر چهل و یکبار
که عدد خاتم است ورد کند از آفات و نکبات ایمن باشد و صاحب ورد از دنیا
با کمال ایمان بیرون رود و اگر بعدد صغیر که نه بار است بخواند ابواب رزق بروی
بگشاید و از موذیات امان یابد و اگر بعد از هر نمازی یکبار بخواند قرضش ادا شود و صاحب
حاجتش روا شود و گناهانش عفو گردد و اگر کسی را کار فرو بسته باشد و قرض بر آورده
و بکار خود فرو مانده و در امور دنیا سرگردان و سررشته از دست داده باشد
بهر عدد که بخواند بزودی فتح آن بسته گی وی را معلوم گردد از عهده هر عدد که تواند خواند و با تمام
تواند رسانید بخواند از فتح و ادای قرض و در آمدن اموال و معیشت و دفع مضرات
مقاصد وی بحصول پیوندد بسم الله الرحمن الرحیم امن الرسول بما انزل الیه من ربه و
المؤمنون کل امن بالله وملائکته وکتبه ورسله لانفرق بین احد من رسله وقالوا
سمعنا واطعنا غفرانک ربنا والیک المصیر لا یکلف الله نفساً الا وسعها لها
ما کسبت وعلیها ما اکتسبت ربنا لا تواخذنا ان نسینا او اخطانا ربنا ولا تحمل علینا
اصراً کما حملته علی الذین من قبلنا ربنا ولا تحملنا ما لا طاقة لنا به واعف عنا واغفر لنا
وارحمنا انت مولینا فانصرنا علی القوم الکافرین بسم الله الرحمن الرحیم الم الله لا اله
الا هو الحی القیوم نزل علیک الکتاب بالحق مصدقا لما بین یدیه وانزل التوریة والانجیل

من قبل هدی للناس وانزل الفرقان ان الذين كفروا بآيات الله لهم عذاب شديد
والله عزيز ذو انتقام ربنا اننا سمعنا منادیا ینادی للایمان ان آمنوا بربکم فآمنا
ربنا فاغفر لنا ذنوبنا وکفر عنا سیئاتنا وتوفنا مع الابرار ربنا وآتنا ما وعدتنا علی رسلک
ولا تخزنا یوم القیمة انک لا تخلف المیعاد یا ایها الذین آمنوا اصبروا وصابروا ورابطوا واتقوا الله لعلکم
تفلحون الحمد لله الذی خلق السموات والارض وجعل الظلمات والنور ثم الذین کفروا بربهم
یعدلون قالوا ربنا ظلمنا انفسنا وان لم تغفر لنا وترحمنا لنکونن من الخاسرین وذا النون
اذ ذهب مغاضبا فظن ان لن نقدر علیه فنادی فی الظلمات ان لا اله الا انت سبحانک
انی کنت من الظالمین فاستجبنا له ونجیناه من الغم وکذلک ننجی المؤمنین بسم الله الرحمن الرحیم
اذا جاء نصر الله والفتح تا آخر باب هشتم در دفع حرام خوردن وفحش وغیبت وکذب
ودفع شرب خمر ومعاش خلاف شرع اگر خواهی که خود را بازداری ازین امور
ودر طاعت حریص گردی در مدت دویست روز هر روز دویست وپنجاه بار بخوانند
که عدد کبیر است وهر روز جمعه سیصد وچهل وهشت بار بخوانند ابتدا از روز دوشنبه
کند وجمعه آخر کند چون عدد کبیر که پنجاه ودو هزار وهفتصد وپنجاه ویکبار است درین ایام
باتمام رساند انواع صلاح در ذات خود موجود بیند وبطاعت رغبت نماید واگر
کسی سخت دل بود ونصیحت در وی اثر نکند وموعظت قبول نکند قدری آرد جو
در پیش سجادهٔ خود نهاده در محلی که ختم تمام کند خمیر کنند ونان بزد وهر روز یکی از آن بخورد
واگر از برای دیگری بخواند بخورد وی دهد دلش نرم گردد وقاری این آیات را توبه قبول

وطائف

و طاعت مقبول گردد و اگر این آیات به مشک و زعفران بنویسد و در خانه که اهل نماز
پنهان کنند راغب نماز گردد و فسق بر دل وی سرد گردد و اگر بعدد مذکور نتواند خواندن بعدد وسط
که پانصد و سی و پنج بار است بخواند در چهل روز و اگر این نیز میسر نشود بعدد صغیر در سته روز هر روز
شش نوبت بخواند و عدد خاتم هجده بار است هر روز ورد کند راغب نماز گردد و خدای
تعالی از برکت قرائت این آیات کریمه گناهان او را عفو کند و اوراد شریفه این است :
بسم الله الرحمن الرحیم حرمت علیکم المیتة والدم ولحم الخنزیر وما اهل لغیر الله به والمنخنقة
والموقوذة والمتردیة والنطیحة وما اکل السبع الا ما ذکیتم وما ذبح علی النصب وان تستقسموا
بالازلام ذالکم فسق الیوم یئس الذین کفروا من دینکم فلا تخشوهم واخشون الیوم اکملت لکم
دینکم واتممت علیکم نعمتی ورضیت لکم الاسلام دینا انما المؤمنون الذین اذا ذکر الله
وجلت قلوبهم واذا تلیت علیهم آیاته زادتهم ایمانا وعلی ربهم یتوکلون قال رب انی
ظلمت نفسی فاغفر لی فغفر له انه هو الغفور الرحیم یا بنی اقم الصلواة وامر بالمعروف
وانه عن المنکر واصبر علی ما اصابک ان ذلک لمن عزم الامور سلام قولا من رب
رحیم بسم الله الرحمن الرحیم والعادیات الی آخر بسم الله الرحمن الرحیم قل هو الله احد الی آخر

باب نهم در بیان اظهار دفاین و معادن و حاضر گردانیدن غائبان و گریختگان چون کسی
جای گمان دفینه دارد یا تصور معادن بنویسد بر جامه سفید روی یا طبق چینی سفید روی
و آب باران که دعا خوانده باشند بشوید و بیاشامد و دران مقام بیفشاند و هفت بار
این آیات قیام نماید شصت و شش روز بار و هر روز جمعها پانصد و هفتاد و پنجبار بخواند

ابتدا از روز چهارشنبه کند تا ختم روز جمعه شود و اربعین تمام باشد آثار تمام از عالم غیب رو
مکشوف شود و چون اربعین تمام شود در بیست و شش روز اگر تواند خلوت اختیار کند
تا جمعی از ارواح در خواب یا در بیداری او را رهنمونی کنند و اگر کسی را بنده گریخته باشد یا مال غایب
شده باشد یا خادمی فرار نموده باشد با این دو قیام نماید و بنویسد و بر جای غایب
بیاویزد زود باز آید و بیش نتواند رفت و شیخ علی همدانی در کتاب آثار الانوار عجایب الآثار
خود آورده که اگر کسی طالب دفاین باشد بنویسد آیه وجعلنا بینهم وبین القری التی بارکنا فیها قری
ظاهرة وقدرنا فیها السیر سیروا فیها لیالی وایاما امنین و در پوست آهو گیرد و چون قمر در اسد
باشد بمقارنه سعدین در برابر سینه درآویزد و بقرائت تمام آیات مشغول گشته رو بآن زمین نهد
و روان شود البته بمراد برسد و بر دفاین و معادن مطلع گردد و از علوم غریبه بهره‌مند گردد و عدد
وسیط مکصد و یکبار و صغیر آن پنجبار است بهر عدد که خواهد بخواند بمراد برسد و او را محبت است
بسم الله الرحمن الرحیم ان الله یامرکم ان تؤدوا الامانات الی اهلها واذا حکمتم بین الناس ان
تحکموا بالعدل ان الله نعما یعظکم به ان الله کان سمیعا بصیرا یریدون ان یخرجوا من النار وما هم
بخارجین منها ولهم عذاب مقیم ولو ارادوا الخروج لاعدوا له عدة ولکن کره الله انبعاثهم
فثبطهم وقیل اقعدوا مع القاعدین واما الجدار فکان لغلامین یتیمین فی المدینة وکان تحته
کنز لهما وکان ابوهما صالحا فاراد ربک ان یبلغا اشدهما ویستخرجا کنزهما رحمة من ربک
وما فعلته وجعلنا بینهم وبین القری التی بارکنا فیها قری ظاهرة وقدرنا فیها السیر سیروا
فیها لیالی وایاما امنین و هر بار که بختم رسد این اسما بخواند یا رحیم یا رحیم یا رحیم ارحمنی بعزتک

باعثان

یا غیاث المستغیثین یا وهاب یا رزاق تا بزودی بمقصود برسد و در دولت
بروی قاری گشاده شود و عجب نپندارد باب دهم در شرح تسخیر جن و ارواح و عدد و بی
و رام گردانیدن دون آورنده چون کسی خواهد که ارواح جنیان را بروی آشنائی واقع شود
باید که سه اربعین که یکصد و بیست روز است ترک حیوانی خوردن کند جهت تسخیر و درین ایام
صایم باشند و در اربعین اول هر روز سیصد و هشتاد و یکبار بخوانند و در اربعین دویم هر روز
چهارصد و نود و دو نوبت بخوانند و درین اربعین باز بخور کنند که مذکور خواهد شد آنچه تواند
بسوزد و در اربعین سیم بخور دایم بسوزد از ابتدای قرائت تا اتمام بی بخور نباشند و بعضی بعید از
ثانی خوانند اما علامت آن است که در واقعه مردم خوبصورت خوش قد نیکو منظر خواهد دید
و ارشادش خواهند کرد که چه کس بآن عمل نکند و همچنان میخوانند و اگر او را وعده علوم غریبه و مال
دنیا کنند زنهار که قبول نکند و ترک قرائة نکند و امکان آن دارد که در اربعین دویم این
علامت در بیداری ببیند و اگر در اربعین سیم شود بقول ایشان عمل نکند مضطرب گردند
و مطیع شوند و مدعا حاصل شود و در اجابت ارواح تسخیر و جن به ازین عمل نیست ولی وهم
و بی خطر است و سریع الاجابت آلت بخور سنبل و دوالک و سعد و صندل و عود
قماری و عنبر اشهب و کافور و مشک و زعفران مجموع باشیره قند کشته سازد و در سه روز
آخر در مندل درآید و هر روز سیصد و سی بار بخواند و مندل بدین طریق که نموده بیرون شهر
در باغ یا سر چشمه یا سبزه زاری دور از مردم بکشند روی بقبله و برروی سجده نشیند
و مجمره برابر روی خود نهد و در آخر ختم یا تمام نارسانیده باشند که جمعی ظاهر گردند و با و

بیعت کنند و مطیع گردند و خاتم بوی دهند و به مراد برسد و چون خواهد که از مندل بیرون

بیرون آید دو رکعت نماز بگذارد و در هر رکعتی فاتحة الکتاب یکبار و یازده نوبت آیة الکرسی

تا هم فیها خالدون بخواند و چون بیرون آید شیرینی تصدق کند تا دو شب جا و بد بماند و بعد

از ان مندل دایم بخور سوزد و اگر تنجیم و غیره نخواهد هر روز این اوراد و لو نوبت ورد کند

و هر گاه که او را کار کلی یا مهمی بزرگ پیش آید در یکهفته یا نصد و هشتاد و یکبار بخواند هر روز

آنچه تواند باید که در اسبوع این عدد بخواند و بخور سوزد و از ان جماعت امداد طلبد بد و کلی باید در

جمیع امور این نسخه هیچ خطر ندارد و جزوی و کلی و بغایت مجرب است و صورت مندل این است

در نسخه صورت مندل نکشیده مهمل بر اهمال نکنند بسم الله الرحمن الرحیم ان ربکم الله الذی

خلق السموات والارض فی ستة ایام ثم استوی علی العرش یغشی اللیل النهار یطلبه حثیثا

والشمس والقمر والنجوم مسخرات بامره الا له الخلق والامر تبارک الله رب العالمین بسم الله الرحمن الرحیم

والصافات صفا فالزاجرات زجرا فالتالیات ذکرا ان الهکم لواحد رب السموات و

الارض وما بینهما ورب المشارق انا زینا السماء الدنیا بزینة الکواکب وحفظا من کل

شیطان مارد لا یسمعون الی الملاء الاعلی ویقذفون من کل جانب دحورا ولهم عذاب

واصب الا من خطف الخطفة فاتبعه شهاب ثاقب فاستفتهم اهم اشد خلقا ام من

خلقنا انا خلقناهم من طین لازب یا قومنا اجیبوا داعی الله وامنوا به یغفر لکم من ذنوبکم

ویوخرکم من عذاب ففتحنا ابواب السماء بماء منهمر وفجرنا الارض عیونا فالتقی الماء علی امر

قد قدر یا معشر الجن والانس ان استطعتم ان تنفذوا من اقطار السموات والارض فانفذوا

لا تنفذون

لا تنفذون الا بسلطان بسم الله الرحمن الرحیم قل اوحی الی انه استمع نفر من الجن فقالوا
انا سمعنا قرانا عجبا یهدی الی الرشد فامنا به ولن نشرک بربنا احدا وانه تعالی
جد ربنا ما اتخذ صاحبة ولا ولدا وانه کان یقول سفیهنا علی الله شططا بسم الله الرحمن الرحیم
اذا جاء نصر الله والفتح ورایت الناس یدخلون فی دین الله افواجا فسبح بحمد ربک
واستغفره انه کان توابا باب یازدهم در محبت والفت میان طالب ومطلوب
وازواج وخادم این آیات کریمه را آیات محبت گویند در مدت یکصد وبیست روز
پنجاه ودو هزار وسیصد وچهل وهشت نوبت بخوانند وابتدا از روز پنجشنبه کنند تا جمعه
باتمام رسانند ودر یک مجلس بخوانند وروی بجانب خانه مطلوب کنند ودر وقت
خواندن عنبر وسنبل وصندل سوزد میانه ایشان پیش از آنکه ختم باتمام رسد
الفت ومحبت واقع شود چنانچه تا روز مرگ قطع نشود وطالب را از مطلوب فایده
رسد واگر بدین عدد میسر نگردد که عدد کبیر است در هشت روز عدد وسیط که دو هشت
وهفتاد وهشت بار است بجای آورد وخاتم خاتم که چهل وهشت نوبت است ورد
باید کرد وعدد صغیر این اوراد چهار نوبت است بنام هر که بخواند الفت بینهما واقع شود
واگر این آیات را بر سنگ خوانده وبهر کس دهد محب او گردد واگر تسخیر قلوب عوام الناس
کند بدین اوراد کند ورد باید کرد بهر عدد که تواند دایم بخواند تا تسخیر عوام شود واگر بنویسد وبا خود
دارد اثر عظیم دارد وباید که معطر دارد وپاک وعزیز تا خواص بسیار بینند وآیات این است
بسم الله الرحمن الرحیم زین للناس حب الشهوات من النساء والبنین والقناطیر

المقنطرة من الذهب والفضة والخيل المسومة والانعام والحرث ذالك متاع الحيوة الدنيا
والله عنده حسن المآب قل ان كنتم تحبون الله فاتبعوني يحببكم الله ويغفر لكم ذنوبكم والله
غفور رحيم ها انتم اولاء تحبونهم ولا يحبونكم وتؤمنون بالكتاب كله فبما رحمة من الله لنت
لهم ولو كنت فظا غليظ القلب لانفضوا من حولك فاعف عنهم واستغفر لهم وشاورهم
في الامر فاذا عزمت فتوكل على الله ان الله يحب المتوكلين يحبونهم كحب الله والذين آمنوا
اشد حبا لله فسوف يأتي الله بقوم يحبهم ويحبونه اذلة على المؤمنين اعزة على الكافرين يجاهدون
في سبيل الله ولا يخافون لومة لائم ذالك فضل الله يؤتيه من يشاء والله واسع عليم
هو الذي ايدك بنصره وبالمؤمنين والف بين قلوبهم ولكن الله الف بينهم انه عزيز حكيم
لقد جاءكم رسول من انفسكم عزيز عليه ما عنتم حريص عليكم بالمؤمنين رؤف رحيم والقيت
عليك محبة مني ولتصنع على عيني وعنت الوجوه للحي القيوم وقد خاب من حمل ظلما انه
هو يبدئ ويعيد وهو الغفور الودود ذو العرش المجيد فعال لما يريد هل اتاك حديث الجنود
وانه لحب الخير لشديد باب دوازدهم در بيان اوراد متفرقه بهر نيت ومقصود وحاجت
كه عدد دارند ومعين شده قيام نمايند از براى عزت وحرمت وتقرب سلاطين
بيك مجلس يكهزار وهشتاد ودو بار بخواند عنقريب بمراد برسد واكر ورد كند هركز نامراد
نكردد دعا اين است والهكم اله واحد لا اله الا هو الرحمن الرحيم خواص او اراده كردن عدد واداى
قرض وشفاى بيماران وحصول مرادات وحوائج كلى وطلب توانكرى سه هزار وپانصد
وسى وسه بار بخواند اين است واكر تواند بيك مجلس بخواند وآيه اين است فالله خير حافظا

وهو ارحم الراحمين

و هو ارحم الراحمین خواص برای حصول حوایج و هلاک دشمن و دفع خوف و عقد اللسان
جملهٔ خصمان هزار و یکبار بخواند این آیت انا نحن نزلنا الذکر و انا له لحافظون خواص از برای
حصول الفت دلها و وسعت رزق و طلب جاه و منصب و بزرگی و محبت سلاطین
و عقد اللسان امرا و وزرا در روز هزار و یکبار بخواند الله این آیت الله لطیف بعباده
یرزق من یشاء و هو القوی العزیز خواص دیگر این آیه هفت خاصیت دارد اول جاه
دویم عقد اللسان سیم رفعت چهارم قبول عام پنجم استجابه دعا ششم آسانی کارها
هفتم دوستی خلایق این اوراد بخواند بعدد کبیر که آن سه هزار و سیصد و سی بار است و وسیط
ششصد و شصت و شش بار و صغیر شصت و شش بار او را این آیت است
والقرآن ذی الذکر ق والقرآن المجید ن والقلم و ما یسطرون خواص دیگر این اوراد هفت
خاصیت دارد اول عزت دویم رفعت سیم فراخی روزی چهارم حشمت پنجم
محبت ششم قوت هفتم قدرت عدد کبیر شصت و چهار عدد و وسیط چهل و شش
و صغیر هشت عدد است آیه این است حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت و
هو رب العرش العظیم دیگر جهت مهمات کلی دوازده هزار بار به یک مجلس بخواند همدران
هفته مقصود بر آید ورد این آیت امن یجیب المضطر اذا دعاه دیگر برای کفایت مهمات
و بر آمدن حاجات و دفع خصمان این کلمه را هشتصد و هشتاد و پنج بار بخواند کهیعص و اگر تواند
کلمهٔ حمعسق بدو ضم کند و هر دو کلمه را دو هزار و پنجاه بار به یک مجلس بخواند مراد بزودی بر آید
البته خواص دیگر جهة فراخی روزی و استجابت دعا و نزدیک بالله تعالی و بر آمدن حاجات

می خواستن بود و این آیه قیام نماید بعد از وضو هفت بار و بعد از هر نماز پیش از آنکه سخن گوید
هفت بار بخواند آیه این است و اذا سئلک عبادی عنی فانی قریب اجیب دعوة الداع
اذا دعان فلیستجیبوا لی ولیؤمنوا بی لعلهم یرشدون خواص دیگر جهة ادای قرض و بر آمدن
مرادات کلی و جزوی و خلاص از حبس و دفع حزن و اندوه و این آیه کریمه هفتاد هزار بار در پنج
روز کمتر نخواند و اگر زیاده خواند اولی بود لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین
خواص برای ظهور گم شده و دزدیده و گریخته و آمدن غایبان و اظهار خصمان و امثال این
مجلس دو ثلث و یکبار بخواند ظاهر شود و در خواب یا بیداری بوی نمایند و از عاقبت آن
کارش اخبار نمایند و آزموده و مجرب است و آیه این است الم تعلم ان الله یعلم ما فی السماء
والارض ان فی ذلک علی الله یسیر خواص از برای کفایت مهمات و تیسیر عمل آمدن
و باز آمدن از غربت بوطن و حصول مرادات جزوی و کلی و رسیدن بمطلوبات
خویش و دفع دشمنان قوی و خصمان بزرگ و نصرة بر اعدا این کلمات را دو هزار و سیصد و
سی و هفت بار بخواند و این شش آیه قرآن است و کفی بالله ولیا و کفی بالله حسیبا و کفی بالله
علیما و کفی بالله وکیلا و کفی بالله شهیدا خاتمه مرویست از حضرت از حضرت رسالت پناه
صلی الله علیه و آله که هر که این کلمات را در عمر خود یکبار بخواند ایزد سبحانه و تعالی فرماید
هفتاد هزار ملک را تا از برای او آمرزش خواهند تا روز قیامت دیگر برای مهمات
و حاجات کلی و جزوی و وسعت رزق و درازی عمر و دفع خوف و خاتمت با ایمان
کامل از این عالم بدر رود و در خواندن این کلمات مداومت نماید و کلمات این است

اللهم

۸۵

خرله الله محمداً عنا ما هو اهله و مستحقه داعی میباید که بعضی از شرایط دعا و آداب دعا اقدام نماید تا بی شک به مقصود برسد و چون بدعوت مشغول شود باید که روی بقبله بنشیند بدو زانو و با وضو و در میان دعا سخن نگوید و از مناهی توبه کند و از سر اخلاص و رغبت مشغول گردد و دل حاضر دارد و الحاح بسیار کند در دعا و محال نطلبد و در استجابت تعجیل ننماید و از دعا کردن ملول نشود و در ماکول و ملبوس ملاحظه کند که حرام نباشد و در اول و آخر بر خدای ثنا گوید و در اول و آخر بر حضرت رسالت پناه صلعم صلوات فرستد که از حضرت امیر المؤمنین علی روایت است که دعا در میان آسمان و زمین معلق است تا از عقب او صلوات نفرستند بهدف اجابت نمیرسد قال رسول الله صلعم من صلی علی مرة صلی الله علیه عشرة مرة هر که یکبار بر من صلوات فرستد خدای تعالی ده بار بر وی صلوات فرستد بزرگان یقین فرموده اند که هیچ صلواتی فاضلتر ازین صلوات نیست اللهم صل علی محمد و آل محمد بعدد کلماتک والطافک و بارک و سلم

شرح دعای شیخ بهاء الدین هر کس هفت روز هر روز متصل کریمه یاسین بخواند و ثواب آن را بروح این هفت سلطان برساند و گوید که روح این هفت سلطان را شفیع آورده ام اول سلطان ابو الحسن علی ابن موسی الرضا دویم سلطان ابراهیم ادهم سیم سلطان بایزید بسطامی چهارم سلطان ابو سعید ابو الخیر پنجم سلطان محمود غزنوی ششم سلطان غیاث الدین محمد هفتم سلطان سنجر مایل تا حاجات بر آورده مناجات حضرت امیر المؤمنین ع

بسم الله الرحمن الرحیم ای خدای که ترا زوال نیست : ای ملکی که ملک ترا انتقال نیست ای پادشاهی که ترا شریک نیست : ای کریمی که ترا بخل نیست : ای حلیمی که در عفو ترا

بندگان ترا شتاب نیست : ای حکیمی که در حکمت تو ریب نیست : و در پاکیت
عیب نیست : و در بزرگی تو نقصان نیست : و در قدرت تو طغیان نیست :
ای عزیز ذو الجلال : ذو الفضل والکمال : ای بیچون و بیچگونه : ای بی شبه و نمونه : فرد
بی همتا خداوندا : ای مفضل بی فضول : ای عادل بی عدول : ای قاضی بی عزل
و ای قایم بی هزل : ای ناظر بی ناظره : ای بصیر بی باصره : ای دانای بی ضمیر : ای توانای بی
بی ظهیر : ای قاهر بی مشیر : ای جبار بی عدیل : ای قهار بی بدیل : ای پادشاه بی وزیر
ای لطیف و علیم و خبیر : یا من لا یحتاج الی البیان والتفسیر حاجاتنا کثیر وانت بها بصیر
ای واحد بی مدد : و ای صمد بی عدد : ای اول بی بدایت : ای آخر بی نهایت : ای
ظاهر بی صورت : ای باطن بی صورت بی ضرورت : ای حی بی حیلت : ای قیوم بی علت
ای عزیز بی ذلت : ای غنی بی قلت : ای سمیع با عدت : ای صانع بی آلت : ای بینای بی
بی حدقه : ای معطی بی حکرت : ای بخشاینده بی منت : ای عالم بی تفکر : ای قیام بی تغیر
ای جبار بی تجبر : ای قهار بی تهور : ای مقتدری که تیر تقدیر ترا هیچ تدبیری دفع نکرد : ای مدبری که
رقم قلم ترا هیچ آب محو نکرد : ای موجود بی علت : ای معبود بی قلت : موجودیکه کم نکردی
معبودیکه کم نکردی : حیی که نمیری : قیومی که نگردی : سلطانی که از سلطنت معزول نکردی : ملکی که
اندر مملکت مشغول نکردی : بخشنده که هرگز ملول نکردی : سمیعی که هرگز معلول نکردی : ای پادشاهی
که ماه جلال ترا خسوف نپذیرد : ای که خورشید عزت ترا کسوف نگیرد : سهام اوهام با عراض
حکمت تو نرسد : وهم بلند رو در مدارج معرفت تو پای ننهد : فهم تیزگام در میدان حد (نهایت) تو

سوخته‌اند الهی بحرمت سالکان و ساکنان خدمت تو الهی بحرمت سوختگان آتش محبت تو

الهی بحرمت رضادادگان محنت تو الهی بحرمت مشتاقان رؤیت تو الهی بحرمت

تشنگان شربت لطف تو ای داننده ضمایر و ای بیننده سرایر ای دستگیر وامانده

و ای دلیل سرگشته ای نام تو نور چشم صابران ای یاد تو شفای جان علیلان ای

دوستدار نکوکاران ای دستگیر نگونساران ای ستار گناهکاران ای کریم

بر پریشانان ای رحیم بر پشیمانان ای مونس بر غمان ای مرهم دردمندان ای

درمان درماندگان ای مجیب خوانندگان ای دستگیر بیچارگان ای مطلوب جان

مشتاقان ای محبوب سرّ بی‌نفاقان ای جاه درویشان ای پناه بی‌خویشان

ای مایه مفلسان ای عزیز مخلصان ای معین مخلصان بیکسان ای دلیل درگمشتگان

ای ظهیر آموزندگان ای خالق بندگان ای کارساز متفکران ای راهنمای متحیران

ای معبود جانوران ای محبوب ناموران ای غذا دهنده بیکاران ای صحت ده

بیماران ای بصیر جویندگان ای سمیع گویندگان الهی بحرمت نومیدی محرومان

الهی بحرمت نور دیده بدروزان الهی بحرمت غم دل نومیدی بدروزان ای بخشنده

بخشایندگان ای آرزو بخش آرزومندان تو کنی فعل من نکو بر من مهربان تر توئی

ز من بر من ای مجیب مضطران ای کس بیکسان ای چاره بیچارگان ای خداوند

زمین و آسمان یا عالم بکل شیئ یا احد یا رحمن یا رحیم یا رب العالمین یا حی یا قیوم

یا ذوالجلال والاکرام وعنت الوجوه للحی القیوم ای داننده نامها و ای شکننده

کارها ای دورنده دامها ای علیم بحالها ای سازنده کارها ای بصیر احوالها
ای آسان کننده دشواریها ای سمیع اقوالها ای بیننده نیازها ای شنونده آوازها
ای داننده رازها ای بخشنده نعمتها ای بخشاینده درمحنتها یا ملجاء الضعفاء یا مونس الغربا
یا نصیر الفقرا ای مبرا از عوائق ای منزه از علایق ای مطلع بر دقایق ای بی نیاز از خلایق ای
مفضلی که با فضال کس ترا حاجت نیست ای عادلی که در عدل تو کس را عجب نیست ای
ای مکرمی که انعام ترا نهایت نیست ای منتقمی که انتقام ترا بدایت نیست ای جباری
که کس را با تو طاقت مقاومت نیست ای قهاری که کس را با تو حیلت نیست
ای خداوندی که گردن گردن آویخته از کمند تو گریز نیست ای پادشاهی که پای
آورانرا از بلای تو گریز نیست الله توئی یارب جبار توئی یارب خلقان همه خفته اند
بیدار توئی یارب الله توئی یارب الله همه عالم رحمن بنی آدم احوال دل پرغم واین دیدها
پرنم مسکین دل ما در هم می بینی و میدانی الهی بحرمت اصفیا وانبیا درگاه تو الهی بحرمت
اولیا آگاه تو الهی بحرمت عابدان اسحار الهی بحرمت زاهدان با سرار الهی بحرمت عاملان
با قرار الهی بحرمت عارفان و موحدان تو بنده توام افتاده ام بکرم دستگیر ای خدای که جان
بندگان هدف تیر تقدیر تست ای پادشاهی که دل محبان صدف در توحید تست الهی
اگر سنجی طاعت ندارم واگر بپرسی حجت ندارم واگر بسوزی طاقت ندارم الهی انت اعلم
چنانکه دانی عاجزم چنین که می بینی از من خطا کردن و بخشیدن واز تو رحمت کردن و
بخشیدن و بخشیدن از من خطا و دلت ... از تو همه عطا و رحمت ست
ازمنم

از من همه خطا و عصیان است از تو همه عطا و احسانست ای قدیم لم یزل ای عزیز بی بدل
ای پادشاه لایزال ای خداوند ذو الجلال بحرمت آنکه تراغم نیست هر چه از تو خواهم تراکم
نیست ادبار مدبران در کار اقبال مقبلان کن ای پاک از گفتگوی و ای مطلوب
جستجوی ای خداوندی که در راندن قضا فرد و بی نیازی و در دادن عطا جود و
بی انبازی هر چه ازین بندهٔ عاصی و جاننده دیدی در عمر درگذاری و مهمات دینی و دنیایی
ما را براری بخیر بحق محمد و آله الهی بحرمت جود و جلال تو الهی بحرمت کرم و افضال تو الهی
بحرمت آلاء و نعماء تو الهی بحرمت ملک بی منتهای تو الهی بحرمت رؤیه و لقای تو الهی
بحرمت اسماء الحسنی تو الهی بحرمت رسل و انبیاء تو الهی بحرمت عظمت و جبروت تو
الهی بحرمت ملائکه و ملکوت الهی بحرمت منشورهای مجید تو الهی بحرمت صحف توحید تو
الهی بحرمت صحف معظم تو الهی بحرمت توریه و زبور و فرقان تو الهی بحرمت جمله صحفها که بعلم
قدیم تو واند الهی با مرهای مطلق تو الهی بحرمت نهیهای محقق تو که هر چه در عمر ازین بیچاره دیدی
و نه پسندیدی بفضل و کرم خود درگذران و مادر و پدر ما را بیامرزی و هر رنج که در حق ما برده اند
و مشکل ایشان گردانی حق شان بدعا از گردن ما ساقط گرداند و تمامت خویشان
و اقربا و جمیع مؤمنین و مؤمنات را بیامرزی و بر همه مسلمانان رحمت کنی و دو امهای
را دوخته گردانی و اولاد بنین و بنات را بنبات حیات پرورده گردانی و علم و قرآن روزی
کنی و استادان ما را بیامرزی و بر جمله مؤمنین و مؤمنات و مسلمین و مسلمات
رحمت کنی رنجگان خاکسار ما را بیامرزی غایبان را بوطن باز رسانی بیماران را

بیماران را شفا دهی محبوبان را اخلاص دهی زبان بدگویان را بسته داری دشمنان را
دور داری دست ظالمان را کوتاه گردانی بحق محمد و آله الهی بحرمت نیاز آدم صفی
الهی بحرمت نیاز شیث پیغمبر الهی بحرمت هابیل پیغمبر الهی بحرمت نیاز صالح پیغمبر
الهی بحرمت نیاز لوط پیغمبر الهی بحرمت نیاز شعیب پیغمبر الهی بحرمت نیاز دانیال پیغمبر
الهی بحرمت نیاز ابراهیم پیغمبر الهی بحرمت نیاز اسمعیل پیغمبر الهی بحرمت نیاز اسحق پیغمبر
الهی بحرمت نیاز یعقوب پیغمبر الهی بحرمت نیاز یوسف پیغمبر الهی بحرمت نیاز موسی پیغمبر
الهی بحرمت نیاز عیسی پیغمبر الهی بحرمت نیاز داود پیغمبر الهی بحرمت نیاز هارون
پیغمبر الهی بحرمت نیاز الیاس پیغمبر الهی بحرمت نیاز ذکریا پیغمبر الهی بحرمت نیاز
ایوب پیغمبر الهی بحرمت نیاز یحیی پیغمبر الهی بحرمت نیاز ذو الکفل پیغمبر الهی بحرمت
نیاز خضر پیغمبر الهی بحرمت نیاز عزیر پیغمبر الهی بحرمت نیاز یوشع پیغمبر الهی بحرمت
نیاز اشموییل پیغمبر الهی بحرمت نیاز جرجیس پیغمبر الهی بحرمت نیاز ذو النون پیغمبر الهی بحرمت
نیاز سلیمان پیغمبر الهی بحرمت نیاز ادریس پیغمبر الهی بحرمت نیاز یونس پیغمبر الهی بحرمت
نیاز صد و بیست و نه هزار نقطه نبوت الهی بحرمت نیاز محمد المصطفی الهی بحرمت نیاز
علی المرتضی الهی بحرمت نیاز جبرئیل الهی بحرمت نیاز میکائیل الهی بحرمت نیاز اسرافیل
الهی بحرمت نیاز عزرائیل الهی بحرمت نیاز دردائیل الهی بحرمت نیاز کرکائیل الهی بحرمت
نیاز رضوان الهی بحرمت نیاز مالک الهی بحرمت نیاز حملة العرش الهی بحرمت نیاز کروبیان
الهی بحرمت نیاز روحانیان الهی بحرمت جود علی و سجود علی علیه السلام الهی بحرمت نیاز امام حسن علی

الهی بحرمت نیاز

الهی بحرمت نیاز امام حسین علی الهی بحرمت نیاز امام زین العابدین الهی بحرمت نیاز
امام محمد باقر الهی بحرمت نیاز امام جعفر صادق الهی بحرمت نیاز امام موسی کاظم
الهی بحرمت نیاز امام علی ابن موسی الرضا الهی بحرمت نیاز امام علی النقی الهی بحرمت
نیاز امام حسن العسکری الهی بحرمت نیاز امام محمد مهدی آخر الزمان صلواة الله علیه و
علیهم اجمعین الهی بحرمت نیاز صحابهٔ محمد مصطفی الهی بحرمت نیاز عبدالله عباس
الهی بحرمت نیاز عبدالله مسعود الهی بحرمت نیاز انس مالک الهی بحرمت نیاز کعب احبار
الهی بحرمت نیاز ابوذر غفاری الهی بحرمت نیاز ابوایوب انصاری الهی بحرمت نیاز
معاذ جبل الهی بحرمت نیاز ابودردا الهی بحرمت نیاز سلمان فارسی الهی بحرمت
نیاز اویس قرنی الهی بحرمت نیاز ابراهیم ادهم الهی بحرمت نیاز محبان تو الهی بحرمت
نیاز بندگان خاص تو الهی بحرمت نیاز سالکان راه تو که برین بیچارهٔ ضعیف کنی و جمیع
مومنین و مومنات و مسلمین و مسلمات را بیامرزی و مقصودات همه را بر آورده
کنی خیر گرداند یا الهی العالمین و یا خیر الناصرین و صلی الله علی سیدنا محمد و آله اجمعین
الطاهرین الطیبین و سلم تسلیما کثیرا کثیرا شرح دعای قدح نقلست نقلی صحیح که روزی
حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم در مسجد نشسته بود با اصحاب که جبرئیل امین
از حضرت عزت جل و علا در رسید و گفت یا محمد خدای تبارک و تعالی ترا سلام
میرساند و هدیه برتو فرستاده که هیچ پیغمبر نفرستاده و آن را دعای قدح نام است
و گفت یا محمد هر که این دعا بخواند او را از پیغمبران شمارند و از جملهٔ آفتها خدای تعالی او را نگاه دارد

و هر بنده که این دعا را بخواند یا خوانده باشد روز قیامت چون از قبر برآورد هفتاد
هزار فرشته بسر آنکس آیند و بدست هر یک طبقی از نور و حله از کافور
بر طبق نهاده یا جامی از شراب طهور بر دست و گفت یا محمد این دعا در میان
آسمان و زمین ایستاده بود تا روزی که آدم ع از بهشت بیرون افتاد و دویست
سال در عالم میگشت و ربنا ظلمنا میگفت ندا از حضرت عزت در رسید.
بجبرئیل علیه السلام که برو و آدم را بگوی که اگر دویست هزار سال در عالم ربنا ظلمنا
گوئی هیچ سود ندارد تا دعای قدح بمن شفیع نیاوری آدم گفت خدایا بحرمت دعای قدح که توبه
من قبول کن هنوز تمام نگفته بود که توبه او قبول شد و هر پیغمبر را که مهمی دشوار پیش آید تا دعای
شفیع نمی آورد آن مهم بر ایشان آسان نمیشود و گفت یا محمد تو از جمله انبیا بزرگتری و زنهار
که این دعا را بمنافقان و بی نمازان نیاموزی که بقوت این دعا گناه بسیار کنند و خدای
تعالی فرموده که از لطف و کرم خود شرم دارم بنده که این دعا خوانده باشد یا با خود داشته
باشد او را عذاب کنم چون حضرت جبرئیل شرح این دعا بگفت حضرت رسول صلعم
فرمودند هر که این دعا را بخواند و بی طهارت باشد بیم آن بود که آتش در وی افتد
و هر که این دعا را به مشک و زعفران بنویسد بر ظرف چینی و بشوید و در شیشه کند و سر شیشه را
محکم سازد و هر که درد سر و شقیقه یا ناسور یا هر درد که داشته باشد از آن آب در روی
مالد به شود بقدرت الله تعالی و اگر در گوش کر چکانند شنوا شود و اگر زنی دشوار بار حمل نهد
از آن آب اندکی با وی دهند تا بخورد و اندکی در شکم او مالند در حال بار حمل نهد و اگر کسی

حاجت فرزند داشته باشد این دعا را پیش خود نهد و بگوید خدایا مرا فرزند صالح
کرامت کن بیشک خدای تبارک و تعالی او را فرزند کرامت فرماید و اگر کسی بتهمتی
گرفتار شود این دعا را بخواند و بر خود دمد برودی ازان تهمت خلاص شود و دیگر هر چند بنده
بیشتر خواند قدرش بیشتر باشد و میباید که با وضو باشد و حرمتش نگاه دارد و
بصدق دل بخواند و در نظر که این دعا شک نیاورد که کافر گردد و شرح و خواص بسیار دارد
اما مختصر کرده شد تا خواننده و نویسنده را ملال نیفزاید والله اعلم بالصواب

بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله باسمه المبتدی رب الآخرة والاولی لا غایة له ولا منتهی
له ما فی السموات وما فی الارض وما بینهما وما تحت الثری وان تجهر بالقول فانه یعلم السر
واخفی الله لا اله الا هو له الاسماء الحسنی الله العظیم عظیم الآلاء دایم النعماء قاهر علی الاعداء
قادر علی ما یشاء الرحمن عاطف علی خلقه معروف بلطفه عادل بحکمه عالم فی ملکه الرحیم رحیم
الرجاء بصیر البصراء غفور الغفراء باعث الانبیاء صاحب الاسماء سبحانه قادر علی ا
ما یشاء سبحان الملک الحمید ذی العرش المجید فعال لما یرید رب الارباب و
مسبب الاسباب سابق الاسباق ورازق الارزاق وخالق الاخلاق وقادر
المقدور وقاهر المقهور وعادل یوم الحشر والنشور جامع الناس لیوم الواقعة غفور رحیم
شکور حلیم والحمد لله الملک العظیم هو الاول والآخر والظاهر والباطن الفاتح الدایم رازق
الخلائق والبهایم صاحب العطایا ومانع البلایا یکشف السقیم ویعفوا عن الخاطئین ویحب الصالحین
ویحیی المومنین ویبرئ النادمین ویبشر المذنبین ویومن الی یقین سبحانک لا اله الا انت الکریم

المعبود غفور الخطایا و ساتر العیوب شکور حلیم عالم فی الحد والحدود و منبت الزروع و
الاشجار و مدبر اللیل والنهار فالق الحبوب غنی عن الخلق قاسم الارزاق عالم الغیوب مذهب
الهموم انت الذی سجد لک سواد اللیل و نور النهار و ضوء القمر و شعاع الشمس و خفیف
الشجر و دوی الماء الهی انت الذی سجد لک السماء و الارض و البر و البحر و من
فیهن الهی انت الذی لیس کمثله شیء فی الارض ولا فی السماء و انت علی ذلک
لشهید مشهود الهی انت الذی تعلم السر واخفی و ما فی القلوب الهی انت الذی یعفوا
عن المعاصی بعد ان تعرف العبد فی الذنوب الهی انت الذی کل شیء خلقته بقدرتک
ینصرف الیک بالمنسوب یوم النشور الهی انت الذی اغفر لی خطیئتی یا رب انت
الذی تقضی حاجتی کما قلت ادعونی استجب لکم و انت بوعدک مصدق و نجنی من الکرب
العظیم و الغم والدین والضنک والشدة والمرض انت غیاث کل مکروب و مظلوم و
مضروب الهی انت التی قلت لا تقنطوا من رحمتی و انت بقولک صادق لست
بمکذوب احفظنی مولای من آفات الدنیا و اهوالها و عذاب الآخرة ولا تفضحنی یا
مولای رؤس الخلائق فی یوم الموعود احد احد اکبر کبیرا لا ضد له ولا ند له ولا نظیر له ولا وصف
له ولا شبه له الا ما وصف فی کتابه ولا حد له فی الملک ولا وزیر له اسئلک یا عزیز
یا عزیز یا عزیز یا احد یا احد یا احد یا رحمن یا رحمن یا رحمن یا رحیم یا رحیم یا رحیم ان ترینی
فی المنام ما رجوت منک اکرمنی بمغفرة خطیئتی یا رب انک علی کل شیء قدیر و ترزقنی
حفظ العلم والقرآن و تخلط بلحمی و دمی ولا تکلنی الی طرفة عین طرفة عینی انک علی کل شیء قدیر

ولا حول ولا قوة

ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم اللهم یا حنان یا منان یا ذا الجلال والاکرام اشهد ان کل معبود
دون عرشک الی منتهی قرار الارضین باطل دون وجهک الکریم انت لا اله
الا انت ورضیت بک ربا یا غیاث المستغیثین اغثنی یا رب وفرج عنی همی وغمی و
اصرف عنی شر جمیع خلقک یا ذا الجلال والاکرام وصلی الله علی محمد وآله اجمعین الطیبین
الطاهرین وسلم تسلیما کثیرا کثیرا روایت است که هر که این درود را
بخواند یا با خود دارد خدای تعالی او را ببهشت برد و از دنیا با ایمان برود و چون این درود را
خوانده باشد حقتعالی جبرئیل را فرمان دهد تا جمله ملائکه بر سر روضه او روند و گویند فلان بن فلان
درود فرستاده پیغمبر علیه السلام شاد شود و اگر بنده خواهد که جمال با کمال حضرت محمد مصطفی صلعم
را بخواب ببیند باید که در شب پنجشنبه یا جمعه غسل کند و بعد از نماز خفتن دو رکعت
نماز بگذارد و با تضرع و زاری این درود را بخواند و اگر خواندن نتواند در زیر بالین بنهد
و دیدار مبارک آنحضرت را در خواب ببیند و او را بشارت دهد از آنچه خدای تعالی
با وی خواهد کرد و همه را در خواب بدو نماید چنانکه دل وی شاد گردد و آن وقت که از
دار فنا بدار بقا رحلت کند جمله ملائکه بر جنازه او حاضر گردند و جبرئیل ع حلهای بهشت
در وی پوشانند تا وقت کفن کردن و دفن کردن بر سر گور وی باشند و هر که این
دعا را بخواند یا با خود دارد و یا بکفن نهد و با خود بگور برد کرامت او بر تمام خلق ظاهر شود
و چون گور او باز کنند چشم جمله ببینند کان بدان کرامت روشن شود و او را به بینند
بر تختی نشسته چنانکه حکایت کنند که پسری بود در بغداد و بغایت صاحب جمال

و مادر او را عاشق شده بود روزی پسر خمر خورده بود و در خانه بیهوش افتاده بود مادر کسی
فرصت یافت و در کنار او بخفت و با وی مباشرت کرد و حامله شد و از او دختری
متولد شد و آن زن از شرم خلق بجانب مکهٔ معظمه رفت و حج کرد و آن دختر را به مجاوری
داد و مجاور پرسید که چرا دختر را بمن میدهی آن زن گفت از برای آنکه پدر این دختر ناپدید
که دیگر پیدا نشد از برای آن بتو میسپارم مجاور او را می پرورید تا که بزرگ شد و بعد از
چند سال پسر آن زن را اتفاق حج نصیب شد و چون بمکه رفت آن مجاور او را بدید
جوان صالح و خوبصورت آن دختر را بزنی بدو داد و چون پسر آن زن را بخانه در آورد
مادر چون آن دختر را بدید بشناخت از پسر پرسید که این دختر را از کجا آورده پسر گفت
این دختر را زنی به مجاور خانه کعبه سپرده بود مجاور او را پروریده به من تسلیم کرد آن عورت
بشناخت که همان دختر اوست بر خود بلرزید و بعد از چند روز از دنیا رحلت نمود
پسر بسیار میگریست و واویلا میکرد و زنی همسایهٔ ایشان بود از فساد مادر او خبر
داشت پیش پسر آمد و گفت ترا معلوم نیست که مادر تو بر تو عاشق شده بود و تو روزی
مست بودی فرصت یافت و با تو مباشرت کرد و حامله شد و از آن حمل دختری
متولد شد و چون بحج رفته بود آن دختر را به مجاوری داده بود و آن دختر اکنون زن توست
آن پسر چون از فساد مادر خبر یافت در نیم شب کلنگی برداشت و بسوی قبر مادر رفت
تا مادر را از قبر بیرون کند و بسوزاند ناگاه چون قبر بکاوید روشنائی پدید آمد و بوی خوش شنید
مادر را دید بر تختی نشسته پسر پرسید که ای مادر تو گناهی کرده بودی این کرامت از کجا

یافتی مادر گفت

یا فتنی مادر گفت ای پسر شک نیست که من گناه عظیم کرده‌ام اما هر شب جمعه و پنجشنبه
این درود خواننده بودم میخواندم و استغفار میکردم و هرچه در اثنای این درود خوانده
بودم و شنیده بودم معاینه آنرا دیدم و هرکه این درود را بر پیغمبر فرستد از دنیا
بیرون نرود الا آمرزیده و از عذاب گور ایمن شود و کرامت که مرا ظاهر شده
از برکت این درود است اکنون تو هم بستان و هر شب جمعه و پنجشنبه بخوان
و استغفار خواه تا خدای تعالی گناهان ترا بیامرزد پس درود بستانید و گور مادر
بپوشانید و پیش علمای شام و بغداد آمد و ایشان نیز مطالعه نمودند و هر کدام
نسخه برداشتند و هرکه این درود را بسیار بخواند تن او در گور در هم نریزد و اگر حاجتی
یا مهم عظیم پیش آید یا بیماری حادث شود بنوعیکه هیچ طبیبی علاج نتواند کرد یا نور دیده
کم شده باشد یا بعذاب درویشی گرفتار شده باشند چنانکه گفته شد بعد از نماز
خفتن دو رکعت نماز و این درود بخواند و یا در زیر بالین نهد از اندوه‌ها ایمن گردد
و خلاصی یابد و هر حاجتیکه از خدای تعالی بخواهد روا گردد و هر شب که این درود بخواند اجابت
شود و این درود را عزیز باید داشت و در طاعت کوشید تا از معصیت دور باشد
و در این درود شک نیاورد که کافر گردد و شرح این درود بسیار است اما مختصر
کرده شد تا خواننده و نویسنده را ملال نگیرد هذا الصلوات کبیر بسم الله الرحمن الرحیم
اللهم صل علی محمد و آل محمد سید المرسلین اللهم صل علی محمد و آل محمد سید
المسلمین اللهم صل محمد و آل محمد سید المؤمنین اللهم صل محمد و آل محمد سید المجاهدین

اللهم صل على محمد وآل محمد سيد الشاهدين اللهم صل على محمد وآل محمد سيد المرابطين اللهم
صل على محمد سيد التائبين اللهم صل على محمد وآل محمد سيد الساجدين اللهم صل على محمد
وآل محمد سيد الخائفين اللهم صل على محمد وآل محمد سيد الصادقين اللهم صل على محمد وآل محمد سيد
القانعين اللهم صل على محمد وآل محمد سيد الحافظين اللهم صل على محمد وآل محمد سيد الناصرين
اللهم صل على محمد وآل محمد سيد الحامدين اللهم صل على محمد وآل محمد سيد الواعظين اللهم صل على
محمد وآل محمد سيد الراكعين اللهم صل على محمد وآل محمد سيد الفاضلين اللهم صل على محمد
وآل محمد سيد الراضين اللهم صل على محمد وآل محمد سيد الصادقين اللهم صل على محمد وآل محمد
سيد العابدين اللهم صل على محمد وآل محمد سيد المحسنين اللهم صل على محمد وآل محمد
سيد المطهرين اللهم صل على محمد وآل محمد سيد الصائمين اللهم صل على محمد وآل محمد
سيد الشاكرين اللهم صل على محمد وآل محمد سيد الوارثين اللهم صل على محمد وآل محمد
سيد الشافعين اللهم صل على محمد وآل محمد سيد المشفعين اللهم صل على
محمد وآل محمد سيد التوابين اللهم صل على محمد وآل محمد سيد المساكين
اللهم صل على محمد وآل محمد سيد الغالبين اللهم صل على محمد وآل محمد سيد المؤمنين
اللهم صل على محمد وآل محمد سيد المؤلفين اللهم صل على محمد وآل محمد سيد الاوطعين اللهم
صل على محمد وآل محمد سيد المطهرين اللهم صل على محمد وآل محمد سيد الاكرمين اللهم صل على
محمد وآل محمد سيد الانجبين اللهم صل على محمد وآل محمد سيد الاشجعين اللهم صل على محمد
وآل محمد سيد المحمودين اللهم صل على محمد وآل محمد سيد الاولين

اللهم صل

اللهم صل على محمد وآل محمد سيد الآخرين اللهم صل على محمد وآل محمد سيد المخلوقين اللهم
صل على محمد وآل محمد سيد ولد آدم اللهم صل على محمد وآل محمد سيد البشير النذير اللهم
صل على محمد وآل محمد سيد المكي المدني اللهم صل على محمد سيد الامي القرشي اللهم صل على محمد
وآل محمد سيد النبي المصطفى اللهم صل على محمد وآل محمد سيد النبي التهامي اللهم صل على محمد
وآل محمد سيد النبي الحجازي اللهم صل على محمد وآل محمد سيد النبي العربي اللهم صل على محمد وآل محمد
سيد النبي الحرمي اللهم صل على محمد وآل محمد سيد النبي الابطحي اللهم صل على محمد وآل محمد سيد النبي النقي
اللهم صل على محمد وآل محمد سيد مع الليالي اذا اصبح اللهم صل على محمد وآل محمد سيد مع الشمس
اذا انفخت اللهم صل على محمد وآل محمد سيد مع الشمس اذا كورت اللهم صل على محمد وآل محمد
سيد مع السماء اذا انفطرت اللهم صل على محمد وآل محمد سيد مع الشمس اذا كشطت
اللهم صل على محمد وآل محمد سيد مع البحار اذا فجرت اللهم صل على محمد وآل محمد مع الوحوش اذا
حشرت اللهم صل على محمد وآل محمد مع القبور اذا بعثرت اللهم صل على محمد وآل محمد
مع الكتب اذا قرئت اللهم صل على محمد وآل محمد مع الحسنات اذا ظهرت اللهم صل
على محمد وآل محمد مع الصبح اذا ادبرت اللهم صل على محمد وآل محمد مع الحاجات اذا قضيت
اللهم صل على محمد وآل محمد مع الدرجات اذا رفعت اللهم صل على محمد وآل محمد مع الليل اذا
يغشى اللهم صل على محمد وآل محمد مع النهار اذا تجلى اللهم صل على محمد وآل محمد مع البكور و
العشي اللهم صل على محمد وآل محمد مع من آمن واتقى اللهم صل على محمد وآل محمد مع من صبح وصلى
اللهم صل على محمد وآل محمد مع من صدق واهتدى اللهم صل محمد وآل محمد بعدد النجوم وكواكبها

اللهم صل علی محمد وآل محمد بعدد الامطار وقطراتها اللهم صل علی محمد وآل محمد بعدد
الاشجار واوراقها اللهم صل علی محمد وآل محمد بعدد الرمل والثری اللهم صل علی محمد
وآل محمد بعدد النبات الارض اللهم صل علی محمد وآل محمد بعدد الوحوش وطیور
اللهم صل علی محمد وآل محمد بعدد الجن والانس اللهم صل علی محمد وآل محمد بعدد الایام
وساعاتها اللهم صل علی محمد وآل محمد بعدد الملائکة وتسبیحها اللهم صل علی محمد وآل
محمد بعدد الاقمار ومنازلها اللهم صل علی محمد وآل محمد بعدد البراری ومنازلها اللهم صل علی
محمد وآل محمد بعدد الشهور وایامها اللهم صل علی محمد وآل محمد بعدد من صلی علیه من خلقک
اللهم صل علی محمد وآل محمد بعدد من یصل علیه اللهم صل علی محمد وآل محمد بعدد رحمتک علی خلقک
اللهم صل علی محمد وآل محمد بعدد عفوک علی خلقک اللهم صل علی محمد وآل محمد بعدد غفرانک
عن خلقک اللهم صل علی محمد وآل محمد بعدد افضالک علی خلقک اللهم صل علی محمد وآل محمد
بعدد ملائکتک اللهم صل علی محمد وآل محمد بعدد جمیع خلقک اللهم صل علی محمد وآل محمد
بعدد بارک وسلم اللهم صل علی محمد وآل محمد وبارک وارحم محمد وآل محمد کما صلیت
وبارکت وترحمت علی ابراهیم انک حمید مجید اللهم بحق هذه الصلواة وصاحب
الصلواة ان تغفر لنا سیئاتنا برحمتک یا ارحم الراحمین

از حضرت امیر المومنین ع منقولست که هر که این هفت آیه را هر روز بخواند بدین
ترتیب و بر اطراف خود بدمد از جمیع آفات و بلیات و شر جن و انس محفوظ ماند
مجرب ست آیه اول بخواند و بر پیش روی خود دمد قل لن یصیبنا الا ما کتب الله

لنا هو مولینا

لنا هو مولینا وعلی الله فلیتوکل المؤمنون آیهٔ دویم بخواند و بر پس پشت خود دمد وان یمسسک الله

بضر فلا کاشف له الا هو وان یردک بخیر فلا راد لفضله یصیب به من یشاء

من عباده وهو الغفور الرحیم آیهٔ سیم بخواند و بر بالای سر خود دمد وما من دابة الا علی الله

رزقها ویعلم مستقرها ومستودعها کل فی کتاب مبین آیهٔ چهارم بخواند و بر پایین خود دمد

انی توکلت علی الله ربی وربکم ما من دابة الا هو آخذ بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم

آیهٔ پنجم بخواند و بر جانب راست خود دمد وکاین من دابة لا تحمل رزقها الله یرزقها

وایاکم وهو السمیع العلیم آیهٔ ششم بخواند و بر جانب چپ خود دمد ما یفتح الله للناس من

رحمة فلا ممسک لها وما یمسک فلا مرسل له من بعده وهو العزیز الحکیم آیهٔ هفتم بخواند و بر

شش جهت خود دمد ولئن سألتهم من خلق السموات والارض لیقولن الله قل

افرایتم ما تدعون من دون الله ان ارادنی الله بضر هل هن کاشفات ضره او ارادنی

برحمة هل هن ممسکات رحمته قل حسبی الله علیه یتوکل المتوکلون دعای عهد نامه

که در خواندن صبح و شام ثواب بسیار دارد و دعا این است بسم الله الرحمن الرحیم

اللهم انی اصبحت بتوفیقک اگر شب باشد بگوید اللهم انی امسیت بتوفیقک

واشهدک وکفی بک شهیدا واشهد انبیائک ورسلک واشهد ملائکتک

المقربین وحملة عرشک وسکان سبع سمواتک وارضیک انی اشهد ان لا اله الا

الله انت ربی وخالقی ورازقی ومولائی وربی ورب کل شیئ وحدک لا شریک لک

تبارکت وتعالیت عما یقول الظالمون علوا کبیرا واشهد ان محمدا صلواتک علیه وآله

عبدک و رسولک و حبیبک ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله
ولو کره المشرکون واشهد ان الاسلام دینی والقرآن کتابی والکعبة قبلتی واشهد
ان مولانا و سیدنا امیر المومنین علی ابن ابیطالب عبدک و رسولک و
ولیک و وصی رسولک امامی واشهد ان الموت حق واشهد ان الحسن و
الحسین وعلی ابن الحسین ومحمد ابن علی وجعفر ابن محمد وموسی ابن جعفر وعلی ابن موسی الرضا
ومحمد ابن علی وعلی ابن محمد والحسن ابن علی ومحمد ابن الحسن صاحب الزمان صلواتک
علیه وعلیهم اجمعین ائمتی وسادتنا وقادتنا ائمة الهدی الابرار الاخیار بهم اتولی ومن
اعدائهم اتبرا فی الدنیا والآخرة واشهد ان الموت حق والقبر حق وسوال منکر ونکیر فی
القبر حق والبعث حق والنشور حق والجنة حق والنار حق والصراط حق والمیزان حق
والحساب حق والکتاب حق والثواب حق وتطایر الکتب یمیناً وشمالاً حق و
انطاق الجوارح حق وان الساعة اتیة لاریب فیها وان الله یبعث من فی القبور و
علی هذه احیا واموت وابعث بتوفیقک یارب فصل علی محمد وآل محمد برحمتک
یا ارحم الراحمین فسبحان الله حین تمسون وحین تصبحون وله الحمد فی السموات
والارض وعشیاً وحین تظهرون یخرج الحی من المیت ویخرج المیت من
الحی ویحی الارض بعد موتها وکذلک تخرجون برحمتک یا ارحم الراحمین امین
یارب العالمین والصلوة علی خیر خلقه محمد وآله اجمعین الطیبین الطاهرین فتبارک
الله احسن الخالقین ۞ تعویذ مجرب حضرت رسول صلعم مرویست از سعد بن ابوالفتح

القمی که در رواسطاب کن کبیر گفت که مرا مرضی عظیم بود که طبیبان از علاج آن عاجز شده بودند
و پدر مرا نزد طبیبان تمامی گفتند که این مرض را بغیر از خدا کسی علاج نمیتواند کرد از این
سخن غمناک شدم و کتابی از کتابهای پدرم را برداشتم که چیزی از آن مطالعه نمایم
در پشت آن کتاب دیدم نوشته که حضرت امام جعفر صادق عم مرویست که پیغمبر صلعم
گفته که هر که را مرضی باشد بعد از نماز صبح چهل بار بگوید بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب
العالمین حسبنا الله ونعم الوکیل وتبارک الله احسن الخالقین ولا حول ولا قوة الا بالله
العلی العظیم و دست بر آنجا که زحمت بود بمالد صحت یابد و حضرت شفا بخشد چون نماز
صبح شد فریضه گذاردم و چهل نوبت این دعا را خواندم و دست بر آن محل که زحمت بود
مالیدم خدا تعالی آن زحمت را از من رفع نمود و نشسته بودم و مترسیدم که زحمت مبادا
باز گردد تا سه روز بدین دستور عمل کردم زحمت باز نگردید و بعد از آن پدر خود را خبردار کردم
و پدرم این قصه را بطبیبی که غیر ملت بود گفت چون طبیب نزد من آمد و مرا دید فی الحال
مسلمان شد و کلمه گفت ۵ من مهج الدعوات منقول است که هر که این ابیات متبرکه را
که منسوب بحضرت امیر المؤمنین عم است یازده نوبت بخواند مهمی خدا تعالی بر آورده
گرداند   وکم لله من لطف خفی   یدق خفاه عن فهم الذکی   وکم یسر اتی من بعد عسر
وفرج کربة القلب الشجی   اذا ضاقت بک الاحوال یوما   فثق بالواحد الفرد العلی
توسل بالنبی فی کل خطب   یهون اذا توسل بالنبی   وکم امر تساء به صباحا
فتأتیک المسرة بالعشی   ولا تجزع اذا ما ناب خطب   فکم لله من لطف خفی ۵

نماز روز عاشورا و آن چهار رکعت است بدو سلام و در رکعت اول فاتحه یکنوبت

وقل یا ایها الکافرون یکنوبت و در رکعت دوم فاتحه یکنوبت وقل هو الله یکنوبت

و در رکعت سیم فاتحه یکنوبت و سورهٔ احزاب یکنوبت و در رکعت چهارم فاتحه یکنوبت

و سورهٔ منافقین یکنوبت و بعد از نماز سلام زیارت امام حسین عم بدین طریق بکنند

السلام علیک یا وارث آدم صفی الله السلام علیک یا وارث نوح نبی الله السلام علیک

یا وارث ابراهیم خلیل الله السلام علیک یا وارث موسی کلیم الله السلام علیک

یا وارث عیسی روح الله السلام علیک یا وارث محمد سید رسل الله السلام علیک

یا وارث علی ابن ابیطالب امیر المؤمنین وخیر الوصیین السلام علیک یا وارث اخیه

الحسن الزکی الطاهر المرضی السلام علیک یا ایها الوصی البار التقی السلام علیک وعلی الملائکة

الحافین بک اشهد انک قد اقمت الصلواة وآتیت الزکواة وامرت بالمعروف

ونهیت عن المنکر وعبدت الله خالصا حتی اتاک الیقین والسلام علیک ورحمة

الله وبرکاته ۞ دعاء سمات بسم الله الرحمن الرحیم اللهم سبحانک انی اسئلک

باسمک الاعظم العظیم الاعز الاجل الاکرم الذی اذا دعیت به علی مغالق ابواب السماء

للفتح بالفتح للرحمة بالرحمة انفتحت واذا دعیت به علی مضایق ابواب الارض

للفرج انفرجت واذا دعیت به علی العسر للیسر تیسرت واذا دعیت

به علی الاموات للنشور واذا دعیت به علی کشف البأساء والضراء انکشفت وبجلال

نور وجهک الکریم اکرم الوجوه واعز الوجوه الذی عنت له الوجوه وخضعت له الرقاب

ذلت

وخشعت له الاصوات ووجلت له القلوب من مخافتك وبقوتك التي تمسك

السماء ان تقع على الارض الا باذنك وتمسك السموات والارض ان

تزولا وبمشيتك التي دان لها العالمون وبكلمتك التي خلقت بها

السموات والارض وبحكمتك التي صنعت بها العجائب وخلقت بها الظلمة

وجعلتها ليلاً وجعلت الليل سكناً وخلقت بها النور وجعلته نهاراً وجعلت النهار

نشوراً مبصراً وخلقت بها الشمس ضياءً وخلقت بها القمر وجعلت القمر نوراً وخلقت

بها الكواكب وجعلتها نجوماً وبروجاً ومصابيح وزينة ورجوماً وجعلت لها مشارق

ومغارب وجعلت لها مطالع ومجاري وجعلت لها فلكاً ومسابح وقدرتها في السماء

منازل فاحسنت تقديرها وصورتها فاحسنت تصويرها واحصيتها باسمائك احصاءً

وسميتها باسمائك ودبرتها بحكمتك تدبيراً فاحسنت تدبيرها وسخرتها بسلطان

الليل وسلطان النهار والساعات وعدد السنين والحساب وجعلت رؤيتها

لجميع الناس مرئي واحداً واسألك اللهم بمجدك الذي كلمت به عبدك ورسولك

موسى بن عمران عليه السلام في المقدسين فوق احساس الكروبين فوق غمائم النور فوق

تابوت الشهادة في عمود النار وفي طور سيناء وفي جبل حوريث في الواد المقدس

في البقعة المباركة من جانب الطور الايمن من الشجرة وفي ارض مصر بتسع آيات بينات

ويوم فرقت لبني اسرائيل البحر وفي المنبجسات التي صنعت بها العجائب في بحر سوف معاً

وعقدت ماء البحر في قلب الغمر كالحجارة وجاوزت بني اسرائيل البحر وتمت كلمتك

الحسنى علیهم بما صبروا واورثتهم مشارق الارض ومغاربها التی بارکت فیها
للعالمین واغرقت فرعون وجنوده ومراکبه فی الیم وباسمک العظیم الاعظم الاعظم
الاعز الاجل الاکرم وبمجدک الذی تجلیت به لموسی کلیمک ع فی طور سیناء و
لابراهیم علیه السلام خلیلک من قبل فی مسجد الخیف ولاسحاق صفیک ع فی بئر
شیع ولیعقوب نبیک ع فی بیت ایل واوفیت لابراهیم ع بمیثاقک ولاسحاق
بحلفک ولیعقوب بشهادتک وللمؤمنین بوعدک وللداعین باسمائک
فاجبت وبمجدک الذی ظهر لموسی بن عمران ع علی قبة الرمان وبایاتک
التی وقعت رفعت وبایدیک الذی رفعت علی الارض مصر بمجد العزة والغلبة
بآیات عزیزة وبسلطان القوة وبعزة القدرة وبشان الکلمة التامة وبکلماتک
التی تفضلت بها علی اهل السموات والارض واهل الدنیا والآخرة وبرحمتک
التی مننت بها علی جمیع خلقک وباستطاعتک التی اقمت بها علی العالمین وبنورک
الذی قد خر من فزعه طور سیناء وبعلمک وجلالک وکبریائک وعزتک وجبروتک
التی لم تستقلها الارض وانخفضت لها السموات وانزجرت لها العمق الاکبر ورکدت
لها البحار والانهار وخضعت لها الجبال وسکنت لها الارض بمناکبها واستسلمت
لها الخلائق کلها وخفقت لها الریاح فی جریانها وخمدت لها النیران فی اوطانها وبسلطانک
الذی عرفت لک به الغلبة دهر الدهور وحمدت به فی السموات والارضین وبکلمتک
کلمة الصدق التی سبقت لابینا آدم وذریته بالرحمة واسئلک اللهم بکلمتک التی

غلبت

غلبت کل شئ وبنور وجهک الذی تجلیت به للجبل فجعلته دکا وخر موسی صعقا وبمجدک الذی
ظهر علی طور سیناء فکلمت به عبدک ورسولک موسی بن عمران وبطلعتک فی ساعیر
وظهورک فی جبل فاران بربوات المقدسین وجنود الملائکة الصادقین الصافین وخشوع
الملائکة المسبحین وببرکاتک التی بارکت فیها علی ابراهیم خلیلک فی امة محمد صلواتک
علیه وآله وبارکت لاسحاق صفیک فی امة عیسی ع وبارکت لیعقوب اسرائیلک فی
امة موسی ع وبارکت لحبیبک محمد صلی الله علیه وآله فی عترته وذریته

اگر کسی غدهٔ خشک آدمی را با نمک سوده در چشم سفید کند سفیدی را ببرد فایده اگر تخم
بید انجیر را بخورد شک دهند در حال ببرد فایده هرکه روغن نیلوفر را بر اندام خود مالد نرم کند
و خارش را از اندام ببرد ساعت نامه روز ایام هفته ساعت روز جمعه اول ساعت
نیک است تا آفتاب بر آمدن آنکه بد است تا چاشتگاه آنکه نیک است تا نماز ظهر آنکه بد است تا نماز
خفتن ساعت روز شنبه اول ساعت نیک است تا چاشت آنکه بد است تا روز اول آنکه
نیک است تا میان دو نماز آنکه بد است تا نماز خفتن ساعت روز یکشنبه اول ساعت نیک است
تا نماز پیشین آنکه بد است تا نماز خفتن ساعت روز دوشنبه اول ساعت نیک است تا آفتاب
بر آمدن آنکه بد است تا چاشتگاه آنکه نیک است تا نماز پیشین آنکه بد است تا نماز خفتن ساعت
روز سه شنبه اول ساعت بد است تا چاشت آنکه نیک است تا نماز پیشین آنکه بد است تا نماز
خفتن ساعت روز چهارشنبه اول ساعت نیک است تا نیم چاشت آنکه بد است تا نماز پیشین
آنکه نیک است تا نماز خفتن ساعت روز پنجشنبه اول ساعت نیک است تا چاشتگاه آنکه
بد است تا نماز پیشین آنکه نیک است تا نماز خفتن در دانستن کم و بیش ساعت روز و شب در
هر برج حمل روز دوازده ساعت شب دوازده ساعت ثور روز سیزده ساعت شب
یازده ساعت جوزا روز چهارده ساعت شب ده ساعت سرطان روز پانزده ساعت
شب نه ساعت اسد روز چهارده ساعت شب ده ساعت سنبله روز سیزده ساعت
شب یازده ساعت میزان روز دوازده ساعت شب دوازده ساعت عقرب
روز یازده ساعت شب سیزده ساعت قوس روز ده ساعت شب چهارده ساعت

جدی روز نه ساعت شب پانزده ساعت حوت روز یازده ساعت
شب سیزده ساعت ساعت نامه روز و شب ایام هفته بسم الله الرحمن الرحیم
احکام روز شنبه ساعت اول روز زحل است بغض را نیکست ساعت
دویم مشتریست حب را نیکست و پیش از زوال مریخ است نعل در آتش
نهادن را شاید و بعد از زوال آفتاب است زبان بندی و دوستی ملوک را
نیکست و نماز پیشین اول زهره است حب نیکست وقت نماز دیگر باد برا نیکست احکام
روز یکشنبه اول روز شمس است حب ملوک را نیکست و ساعت نیم چاشت زهره است
حب و فتح الرجال را نیکست و ساعت چاشتگاه عطارد است آتش کاری و حلوا
نامه فرستادن را نیکست و ساعت وقت زوال قمر است دوستی را نیکست
و ساعت وقت نماز پیشین زحل است دشمنی را نیکست و ساعت بعد از
نماز پیشین مشتریست نعل در آتش نهادن را نیکست و ساعت دیگر مریخ است
بغض و عداوت را نیکست و ساعت نماز دیگر آفتاب راست تعویز آتشی را
نیکست و ساعت بعد از نماز عطارد است عمل بادی را نیکست و ساعت یازدهم قمر
است بغض را نیکست و ساعت دوازدهم زحل است بغض و عداوت را نیکست
احکام روز دوشنبه ساعت اول روز قمر است عمل بادی و نامه فرستادن را نیکست
و ساعت نیم چاشت زحل است دشمنی و عقد الرجال را نیکست و ساعت چاشتگاه
مشتریست حب و حاجت خواستن را نیکست و بعد از چاشتگاه مریخ است

دوستی را نیکست و ساعت نماز پیشین زهره ست تعویذ حب را نیکست و بعد از
نماز پیشین عطارد ست زبان بندی و چشم بندی و ذکر بندی را نیکست و بعد از آن
قمر ست گشت کردن تعویذهای باد را نیکست و بعد از آن نماز دیگر زحل ست بغض را مجرب است
و ساعت دیگر مشتری ست حب و کشادن بخت مرد را نیکست و بعد از آن مریخ است
حب و آبستن را نیکست و ساعت نماز شام آفتاب راست نعل در آتش نهادن را
نیکست احکام روز سه شنبه ساعت اول مریخ راست تعویذ آبستن را نیکست
و ساعت دویم وقت آفتاب برآمدن شمس ست تعویذ بخت ملوک و نعل در آتش
انداختن را نیکست و ساعت سیم زهره ست تعویذ حب را نیکست و بعد از آن
عطارد ست حب را نیک ست تا شام و ساعت شام قمر ست تعویذ باد را نیک است
احکام روز چهارشنبه ساعت اول عطارد ست عقود را نیک ست و نیم چاشت قمر است
دیدن و خواستن سلاطین و حب ایشان را نیک ست و چاشتگاه زحل ست بغض و
عداوت را نیکست و بعد از چاشتگاه مشتری ست حب و دوستی قضاة را نیکست و بعد از
پیش از زوال مریخ ست بغض را نیکست و نماز پیشین آفتاب راست زبان بندی.
و دوستی را نیکست و بعد از آن زهره ست حب را نیکست و ساعت دیگر عطارد
ست زبان بندی را نیکست و نزدیک نماز دیگر قمر ست نامه نوشتن و
دوستی را نیک ست و بعد از نماز مشتری ست تعویذ آشتی و دوستی را نیکست
و نماز شام مریخ ست تعویذ آشتی را نیکست احکام روز پنجشنبه ساعت اول

مشتری است تعویذ دوستی را نیک است ساعت دویم مریخ را است بغض را نیک است چاشتگاه
آفتاب راست دوستی جهت ملوک را بهر نیک است و بعد از چاشتگاه زهره است تعویذ حب را
نیک است وقت زوال عطارد است زبان بندی را نیک است و نماز پیشین زحل است دشمنی را نیک است
و بعد از نماز پیشین ترتیب تعویذ حب را مجرب است و نزدیک نماز دیگر شمس است تعویذ دوستی
و گشودن عقود را مجرب است احکام روز جمعه ساعت اول زهره است تعویذ راست حب را
نظیر ندارد ساعت دویم چاشت عطارد است عقود و خواب بندی را نیک است و چاشتگاه قمر است
عملهای الهی را مجرب است و بعد از چاشتگاه زحل است بغض و عداوت را نیک است وقت زوال
مشتری است دوستی را خوب است و نماز پیشین مریخ است آتش کاری خوب است ساعت هفتم
آفتاب راست دوستی ملوک و عملهای آتشی را مجرب است ساعت هشتم دوستی خواتین و
پسران امرد را نیک است ساعت نهم زبان بندی و خواب بندی را خوب است ساعت دهم
قمر است تعویذ دوستی را بود ساعت یازدهم زحل است دوستی و عقد البول را نیک است ساعت
دوازدهم مشتری است دوستی را شاید و اگر تعویذ نویسی بر حب یا بغض باید که نخست اول
ساعت بدانی و اگر ساعت ندانی هیچکار بر نیاید بدانکه در ساعت زهره حب را
بر آید و در ساعت مشتری حب را نیک بود و در ساعت قمر خواب بستن و
مردی گشادن نیک بود و در ساعت زحل زبان بندی و دشمنی بر آید و در ساعت
شمس همچنین باید و در ساعت مریخ دوستی و تمریض نیک بود و در ساعت عطارد
زبان بندی و خواب بستن نیک بود و چون این مقدمه دانسته باشی هر عمل که نمایی

خوب بر آید و اگر ندانسته با شی مطلقاً فایده ندهد و پیدا ازان بدانکه مردمان از چهار طبع
خالی نیستند آبی و آتشی و خاکی و بادی و آنکس که طالع او آبی بود تعویز او در آب باید
انداخت و یا در کنار آب باید فرو برد و آنکس که طبع او آتشی بود تعویز او اندر آتش باید
انداخت و آنکه طبع او خاکی بود تعویز او باید در خاک دفن کردن و آنکس که طبع او بادی
بود تعویز او بر باد باید آویخت و هر یک تعویز که بنویسی بنام چهار کس باید نوشت بنام خود
و مادر خود و بنام او و مادر او که خواهی و بحساب ابجد جمع دوازده دوازده طرح کن تا باقی
چند بماند اگر یک ماند حمل است و اگر دو ماند ثور است و اگر سه ماند جوزاست و اگر
چهار ماند سرطانست و اگر پنج ماند اسد است و اگر شش ماند سنبله است و اگر هفت ماند
میزان است و اگر هشت ماند عقرب است و اگر نه ماند قوس است و اگر ده ماند جدی است
و اگر یازده ماند دلو است و اگر دوازده ماند حوت است که بسیار خوبست و اکنون
آمدیم بدوازده بروج و شرح آن که پیدا کنیم و بدان حمل خانهٔ مریخ است و آتشی است
و آنکس که طالع او حمل باشد دوستی و خواب بستن در حق او خوبست اما تعویز او
در آتش باید انداخت و یا نزد آتش باید دفن کرد و چون تعویز نویسی روز سه شنبه
و یا شب شنبه بنویس که پادشاه حمل درین روز و شب است و چون این
ترتیب نگاهداری هرچه بنویسی خوب آید و خطا نیفتد و ثور خانهٔ زهره است خاکی و
ماده است و آنکس را که طالع او خاکی باشد دوستی بنام او بهتر آید اما تعویز او در
خاک باید دفن کردن و چون تعویز بنویسی روز آدینه یا شب شنبه بنویس که

بادشاه ثور درین روز و شب است و هر تعویذ که بر نموجب بنویسی خطا نیفتد و جوزا
خانهٔ عطارد است و بادی و تر است و آنکس را که طالع او جوزا باشد در حق او عقد از حل
و خواب بندی و دهان بندی بهتر آید اما تعویذ او بر باد باید آویخت و چون تعویذ بنویسی
روز چهارشنبه و یا شب یکشنبه باید نوشت زیرا که بادشاه جوزا درین روز و شب است

وچون

وتوریته علیهم کذا وامنته اللهم وکما غبنا عن ذا الکاب ولم نشهده وامنا به ولم نره صدقاً

وعدلاً ان تصلی علی محمد وال محمد وان تبارک علی محمد وال محمد وترحم علی محمد وال محمد کافضل :

ما صلیت و بارکت و رحمت و ترحمت علی ابراهیم وآل ابراهیم انک حمید مجید فعال
لما ترید وانت علی کل شیء قدیر شهید بعد ازین هر حاجتیکه داری طلب کن بس بگو یا الله
یا حنان یا منان یا دیان یا بدیع السموات والارض یا ذا الجلال والاکرام یا ارحم الراحمین ثم
قل اللهم بحق هذا الدعاء وبحق هذه الاسماء التی لا یعلم تفسیرها ولا یعلم تاویلها ولا ظاهرها ولا باطنها غیرک
صل علی محمد وآل محمد وافعل لی کذا وکذا وانتقم لی من فلان بن فلان واغفر لی ذنوبی ما تقدم وما تاخر
ووسع علی من حلال رزقک واکفنی مؤنته انسان سوء وجار سوء وقرین سوء وسلطان
سوء انک علی ما تشاء وبکل شیء علیم آمین رب العالمین ترکیب بجهة فربه شدن اسب
وهر علت که در شکم داشته باشد دفع شود ساجی یک آثار لون یک آثار اجواین یک آثار
زرد چوب یک آثار کهوربیج یکپاو جواکهار نیمپاو نمک سنیده نیمپاو کلونجی یک آثار نمک نیم آثار
جیتا نیم آثار روهنیا نیم آثار میتی نو یک آثار انکوزه نیمپاو بابرنگ یکپاو نمک سانبهر نیمپاو بلیله
خورد یکپاو سنف یک آثار مرچ یک آثار زنجبیل نیم آثار کابل نیم آثار نمک کهاری دو آثار
اینهمه اجزا را خوب کوفته در ظرف گلی کهنه اندازند و سرکه تند با او مخلوط کرده تا سه روز جای
گرم نگاه دارند و بعد از آن برآورده در آفتاب خشک نمایند و روزمره بوزن چهار انگ بر اسب
بدهند بجهة دفع نمودن کرم که در شکم اسپ بهم میرسد و اسپ را لاغر میکند بگیرند یک آثار
برگ ببل و یک آثار برگ سندی و یک آثار اجواین و یک آثار تخم رائی و نیم آثار نمک
و یک آثار چهار انگ سهاگه همه را کوفته در میان کره کوره از بول اطفال دو ساله تا ده ساله
بخیسانند و کره را در زمین دفن کنند چنانکه سر کره نمایان باشد تا ده روز بگذارند تا

کوزه نو

خوب کنده شود بعده هر روز مقدار با واتها روز صبح با سیب بخورانند شکم اسب پاک و
صاف کرده و فربه شود ولہ برگ قدم که در باغها میشود بخورانند همین عمل کنند ولہ
ساگ میتی بخورانند همین فایده بخشند حکمت دیگر بجهت لکهٔ سفیدی که در چشم اسب
بهم میرسد آب گل کت بوله را هر صبح بچشم اسب بچکانند برطرف شود ولہ فضلهٔ
اطفال را تازه بچشم اسب بکشند سفیدی را به برد ولہ آب باسی را هر صبح بچشم اسب
بپاشند برطرف شود ولہ آب برگ درخت سرس را به چشم بچکانند همین عمل کنند
ولہ بیت کری را بسوزانند و درمیان کره آب بریزند و شب زیر آسمان بنهند و صباح
بچشم اسب بچکانند همین عمل کنند ولہ

کدام خورش بهتر گفت گوشت گوسفند گفتم بخت چیست و نصیب چه گفت هرچه برسد
آن بخت باشد و هرچه نرسد آن نصیب باشد گفتم قابل کرا گویند گفت طالب معنی را گفتم
جوانی چیست و پیری چیست گفت تندرستی جوانی و سستی پیری گفتم پیر را چه باید کرد و
جوان را چه شاید گفت پیر را آهستگی و جوان را شرم و دلیری گفتم کدام بنده با حق راز گوید
گفت آنکه نماز گذارد و قرآن خواند گفتم محبوب دلها کیست گفت اهل انصاف گفتم در گشتن
کدام جانور شفقت بخیزد گفت ماهی گفتم عشق چیست گفت و عاشق کیست گفت عشق گوهر است
و عاشق غواص گفتم هیچ جا بود که هر روز در آنجا شادی و مهمانی باشد گفت در آنخانه که بچه باشد
گفتم خواب بهتر یا بیداری گفت خواب برادر مرگست پس بیداری بهتر از خواب گفتم دل
دریافتن چیست گفت رسیدن طالب را به مطلوب گفتم مرد بکدام هنر صاحب عزت گردد

کفت به پرهیزکاری کفتم پرهیزکار کرا کویند کفت شناسندهٔ لقمه را کفتم لقمه چکونه شناخته
شود کفت از بصارت کفتم کامل کرا کویند کفت مرد پخته را کفتم پختگی بچه حاصل شود کفت
از علم و تمیز کفتم علم چیست کفت علم حکمتهای خدای تعالی کفتم هر که علم دارد و فهم ندارد بچه معنی
ماند کفت درختیست که میوه ندارد کفتم اکر کسی را علم نباشد و تمیز باشد او را چه کویند کفت
جاهل با تمیز کفتم جهالت چیست کفت نا انصاف کفتم نا انصاف کرا کویند کفت هر کرا
علم باشد و عمل نباشد کفتم علم چیست و عمل چیست کفت علم دانستن و عمل کار کردن کفتم آنچه
چیست که ذکر او بر زبان بسیار راند کفت من احب شیئاً اکثر ذکره یعنی هر چیز برا که دوست
دارد او را بسیار یاد کند والله اعلم بالصواب مرویست که تعبیر خواب از
امام ناطق جعفر ابن صادق علیه التحیة والسلام ثبت است اصح آن حضرت فرموده اند هر که
در اول ماه واقعه بیند دروغ است و دوم و سیم ماه اکر خیری در واقعه دیده باشد عکس
آن بوقوع آید و اکر شر بیند خیر پیش آید چهارم و پنجم و ششم ماه خوابی که بیند بمرور ماه و سال
و یا روزی چند تعبیر آن بیاید هفتم و هشتم ماه آنچه در خواب بیند تعبیر همان باشد و نهم و دهم دروغ است
اصلا تعبیر ندارد یازدهم و دوازدهم تعبیر ندارد چنان شود که در خواب دیده است سیزدهم
و چهاردهم بر فروغ تعبیری ندارد پانزدهم صحیح است شانزدهم و هفدهم بعد از انقضای مدت
چند روز و یا ماه و سالی تعبیر موافق واقعه باشد هیجدهم و نوزدهم ۱۹ بیستم راست است
تعبیر همان شود بیستم و بیست و یکم بهتر دروغ است بیست و دوم هر خوابیکه بیند تعبیر او
فرح بود و شادی بیند بیست و سیم و بیست و چهارم اکر نیک بیند خلاف آن شود

واگر بد بیند نیز عکس آن بظهور آید بیت پنجم و بیت ششم بشرح ایضاً بمرور

ایام تعبیر بظهور آید

که جبرئیل ع برای رسول خدا صلی الله علیه و آله هدیه آورد از بهشت و آنحضرت

بحضرت امیر المومنین صلواة الله و سلامه علیهما بخشید و از حضرت امیر المومنین

از سر

صلوات الله علیه منقول است که انگشتر جزع یمانی در انگشت کرده بودند و با با نماز کردند
چون از نماز فارغ شدند انگشتر را به من دادند و فرمودند که این انگشتر را در انگشت
دست راست خود کن و با آن نماز بکن که نماز در جزع یمانی برابر هفتاد نماز است

ظفرنامه

الحمد لله رب العالمین والعاقبة للمتقین والصلوة علی رسوله محمد و آله اجمعین
بدان اسعدک الله تعالی فی الدارین که در تواریخ روایت است که روزی نوشیروان عادل
خواجه بزرجمهر که وزیر او بود طلب کرد و فرمود که برای ما کتابی بپرداز از خورد و بزرگ و
آسان و مشکل چنانچه در این جهان بکار آید و در آن جهان راه نماید و عزیز دلها گردد بزرجمهر برخاست
و بر ارسطالیس که استاد او بود رفت و گفت که ای استاد امروز مرا پادشاه
کاری فرموده است آسان و مشکل من راه یافته و عیش مرا مکدر گردانیده ارسطالیس گفت
که چه مشکل فرموده گفت کتابی آسان و مشکل خورد و بزرگ الفاظ شیرین و عبارت
مرغوب چنانچه در این جهان بکار آید و در آن جهان راه نماید گفت نیکو فرموده است که چند عبارت
مرغوب سوال بر صورت مغتنمات دین باید پرداخت که در آغاز مشکل نماید و چون فهم
کنند آسان گردد استاد گفت سوال کن پس بزرجمهر سوال کرد ارسطالیس جواب داد
چون هفت روز گذشت کتاب مرتب گشت ظفرنامه نام نهاد و پیش پادشاه نوشیروان
برد نوشیروان عادل مطالعه کرد و پسند فرمود که این کتاب را بآب زر بنویسند بر روز
سط لوح سکرد آغاز از سوال بزرجمهر پرسید که ای استاد از خدای تعالی چه باید خواست گفت
خیر و عافیت گفتم در روش راه سلوک چیست گفت التعظیم لامر الله گفتم عمر بکدام شغل باید

کرا نید گفت بتحصیل علوم گفتم تحصیل علم چه اثر دهد گفت اگر که باشد
مه گردد و اگر فقیر بود توانگر گردد گفتم راه راست چگونه شناخته شود گفت
بروشنائی علم گفتم دنیا کرا گویند گفت هر چه در آخرة کار نیاید گفتم راه
سلوک چیست گفت مغلوبیت نفس گفتم بچه نفس مغلوب گردد گفت
باندک خوردن گفتم اندک چگونه خورد گفت اندک اندک کم کند گفتم اند
چه حاصل شود گفت اندک خوار اندک خوار بسیار خوار بسیار خوار گفتم بدی در حق که باید
کرد گفت با نفس خود گفتم آن چیست که در محل دیگر بکارند و در جای دیگر بردارند گفت نیکوئی
اینجهان و پاداش آنجهان گفتم خوشنودی خدا تعالی بچه حاصل گردد گفت از خوشنودی مادر
و پدر گفتم مشورت با که باید کرد گفت با مرد دانا گفتم مرد دانا کرا گویند گفت آنکه اندک
گوید و بسیار شنود گفتم کدام وقت سخن بباید گفت جواب داد آندم که کسی حکایت کند
گفتم نیک بخت چگونه شناخته شود گفت بسه علامت یکی طالب علم دویم سخاوت سیوم
خنده روی گفتم سخی کرا گویند گفت باذل خود را گفتم حد سخاوت چیست گفت بذل جود
گفتم بزرگترین کارها چیست گفت مجالس علما و فقرا گفتم علما کرا گویند گفت عارف را گفتم
عارف کرا گویند گفت کم آزار را گفتم کم آزار کرا گویند گفت آنکه خود را از دیگران کمتر داند
گفتم آنمرتبه بچه حاصل شود گفت از صحبت علما و فقرا گفتم روشنائی دلها چیست گفت یاد
کردن موت گفتم تاریکی دلها چیست گفت مشغولی حساب درهم و مال گفتم در دین چه
چگونه باید بود گفت چنانچه رهگذری گفتم بمنزل چگونه توان رسید گفت از سبکباری

گفتم [illegible]

گفتم مرد را از جان چه بهتر گفت دینداری را دین و بیدین را دوم گفتم مرد بچه شناخته شود
گفت بمعامله گفتم کدام سخن راست و دروغ نماید گفت سخن روز جوانی در وقت
پیری و بیان توانگری در فقیری گفتم از یار بید با چگونه باید برید گفت از حاجت
خواستن گفتم زن از چه بضبط آید گفت دست کوتاه گفتم فرزند ناخلف بچه ماند
گفت چنانچه انگشت زایده اگر ببرند درد کنند و اگر بدارند عیب باشند گفتم محبت
از چه کم گردد گفت از قرض ستاندن گفتم آب چگونه باید نوشید گفت اندک
اندک بسیار بار گفتم طعام چگونه باید خورد گفت اشتها باقی داشتن گفتم بغیر
خوردن تندرستی از چه خیزد گفت از سه چیز جامهٔ خوش و بوی خوش و دراز دستان
گفتم پاکی دندان چیست گفت خلال کردن گفتم صافی دندان چیست گفت مسواک
کردن گفتم ثبات سخن چیست گفت صدق گفتم مقبول دلها چیست گفت صادق
گفتم صادق کرا گویند گفت آنکه دروغ نگوید گفتم صابر بهتر یا شاکر گفت صبر
بغیر شاکر کجا گفتم صابر کرا گویند گفت آنکه تحمل کند در شداید بسیار گفتم صبر از چه
خیزد گفت از صدق گفتم صدق چگونه حاصل شود گفت از لقمهٔ حلال خوردن گفتم حلال
از چه شناخته شود گفت از کسب گفتم بهترین کسب کیست گفت زراعت کردن
گفتم بدترین کسب چیست گفت می فروختن گفتم میان مرد و زن فرق چیست گفت از
زمین تا آسمان آسمان تا نبارد بر زمین هیچ نروید گفتم مسافر بهتر یا مقیم گفت مسافر
آب روان و مقیم آب ایستاده گفتم دل آزار کرا گویند گفت تارک دنیا گفتم از صحبت او چه فایده دید

گفت اثر آن گفتم تعظیم مهمان چیست گفت تازه روئی ورزیدن گفتم مهمانی حبیب : .
گفت اول سلام بعده کلام و بعد آن طعام گفتم بوقت آمدن مهمان چه لطف کند
گفت استقبال کردن بعده رسانیدن بدر گفتم داروی گناه چیست گفت توبه کردن
گفتم صادق و رست کرا گویند گفت نان دهی را گفتم فقیر را چه باید کرد گفت توکل و تحمال و
ترک محال گفتم از جمله دردها کدام درد لازم گیرد و مواظبت نماید گفت کلمه طیب گفتن و
یاد کردن موت گفتم کدام

و چون این حساب بدانی هرچه عمل کنی ضایع نشود و سرطان خانهٔ قمر است و آب است
و آنکس را که طالع او سرطان باشد خواب بستن و مردی کشادن در حق او بهتر آید
اما چون تعویذ نویسی روز دوشنبه و یا در شب آدینه بنویس زیرا که پادشاه
سرطان درین روز و شب است و تعویذ او در آب باید انداخت و یا نزدیک
آب باید دفن کردن و اسد خانهٔ آفتاب است و آتش است آنکس که طالع او اسد باشد

بغض و دشمنی در حق او بهتر آید و چون تعویذ نویسی روز یکشنبه و یا شب پنجشنبه نویس که

بادشاه اسد و در این روز و شب ست و تعویذ را در آتش افکن بهتر آید و سنبله

خانهٔ عطارد ست خاکی و ماده ست آن کس که طالع او سنبله باشد دوستی بنام او

بهتر آید و تعویذ او را در خاک باید دفن کردن و چون تعویذ نویسی روز چهارشنبه و یا

شب یکشنبه باید نوشت و چون این حساب را نگاه داری هر چه نویسی خوب و نور علی

نور بود و ضایع نشود حساب ابجد این ست الف یکی ب ۲ ج ۳ د ۴ ه ۵ و ۶ ز ۷ ح ۸

ط ۹ ی ۱۰ ک ۲۰ ل ۳۰ م ۴۰ ن ۵۰ س ساقط ع ۷۰ ف ۸۰ ص ۹۰ ق ۱۰۰ ر ۲۰۰ ش

ساقط ت ۴۰۰ ث ۵۰۰ خ ساقط ذ ۷۰۰ ض ۸۰۰ ظ ساقط غ ۱۰۰۰ اگر یک ماند حمل باشد

آتشی و اگر دو ماند ثور باشد خاکی و اگر سه ماند جوزا باشد بادی و اگر چهار ماند سرطان

باشد آبی و اگر پنج ماند اسد باشد آتشی و اگر شش ماند سنبله باشد خاکی ماده و خانهٔ

عطارد و اگر هفت ماند میزان باشد بادی و اگر هشت ماند عقرب باشد آبی و اگر

نه ماند قوس باشد آتشی و اگر ده ماند جدی باشد خاکی و اگر یازده ماند دلو باشد

نر و بادی و اگر دوازده ماند حوت باشد ماده و آبی [illegible] در باب بانگ خروس که

بیوقت در شب بانگ دهد چه واقع شود اگر شب شنبه بانگ دهد خبر خوشی به صاحب

خانه برسد و در شب یکشنبه مرگ نزدیک بود صاحب خانه را و اگر در شب دوشنبه

مهمانی بود صاحب خانه را و از آن مهمان نفع یابد و در شب سه شنبه صاحب خانه را

از سلطان بیم بود و در شب چهارشنبه جدائی افتد میان مرد و زن و در شب پنجشنبه

توانگری افتد دران خانه و در شب جمعه دران خانه سستوری ببرد فقط

در فضیلت فیروزج و جزع یمانی از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست هرکه انگشتر فیروزج

در دست داشته باشد دستش فقیر نشود و از حسن بن علی بن مهران منقولست که بخدمت

حضرت امام موسی کاظم ع رفتم در انگشت آنحضرت انگشتری دیدم که نگینش فیروزج بود و نقش الله

الملک بود من بسیار نظر میکردم دران انگشتر فرمود چه نظر میکنی گفتم که حضرت امیر المومنین صلواة الله

علیه انگشتر فیروزج داشته است که نقش آن الله الملک بوده است فرمود که آنرا میشناسی گفتم نه

فرمود که این همان انگشترست و این سنگیست که جبرئیل ع

تعبیر بظهور آید بیست و هفتم و بیست و هشتم هر چه در واقعه دیده باشند تعبیر نیابد بیست نهم درست آید

سی ام

سی ام البته البته راست ست موافق قول امام و مجرب ست که تعبیر باید دربن واقعه
ملاحظه میباید کرد که اگر بد بیند بکسی نگوید و این دعا را سه نوبت بخواند تا تأثیر آن خواب
بخیر مبدل گردد بفرمان خدای تعالی دعا این ست بسم الله الرحمن الرحیم سبحان الله والحمد لله
واعتصمنا ولا حول ولا قوت الا بالله العلی العظیم فقط فایده اگر کسی را مغز خالی
باشد و عقل نقصان پذیرد در نظر تفاوت گردد دل ضعیف شود سخن گفتن و شنیدن
خوش نباید و راه رفتن نیز نتواند مغز اندک باشد خواب پریشان بیند اشتها کم گردد
صفت آن بیار دانه خشخاش و نشاسته از هر یکده درم خور مغزی وا خروت
بنج درم سنده چهار درم باید و دو سیر شیر ماده گاو جوشانیده تا سه هفته وقت
خفتن بخورد خشکی دماغ برود مغز قوی گردد نظر روشن شود جمیع علت را دور سازد
فایده علاج تسلسل بول کنجد سیاه هر روز نه درم بخورد دفع شود فایده علاج ضیق النفس
بیار روغن برکستون آب ازو کشیده با برنج ارزن بپزد و همدران محل که بخته باشد
خود را پوشانیده در جای که باد نوزد و از انجا بیرون نباید تا یک هفته و از جغراو
ترشیها و سرک و ماش احتیاط نماید بعنایت الهی فرصت کلی یابد
فایده علاج درد کمر اگر خدا نخواسته کسی را درد کمر باشد دیگر علاج این است
این ترکیب بعمل آرد انشاء الله اگر درد ده ساله باشد شفا یابد صفت آن
لوت یکو نیم بهلولی کوفته سه حصه نماید و سه روز ناشتا با آب تازه بخورد
و از ترشی و بادی ملاحظه نماید فایده علاج مار گزیده فی الحال زهره ماکیان

با خروس بجاییکه مار گزیده باشند بمالند از فضل خدا زهر کار نکند فایده اگر کسی را کژدم
بگزد فی الحال جای نیش او مگس بمالند دفع شود فایده علاج بستگی بول بیارد و بیخ
حنظل یک درم بخورد بعد از یک ساعت یا دو ساعت بکشاید فایده دیگر اگر دل خرگوش
و شالی بریان کرده بخورد تا زنده باشد بول بسته نگردد فایده علاج سرفه بیارد
سونٹ و اجواین و نمک سنده و پنج چیته از هر یک پهلولی وزن و همه را کوفته
و بیخته صبح و شام بوزن شش رتی با آب گرم بخورد و از ترشی و بادی و جربه ملاحظه نماید
ان شاء الله تعالی در یک هفته دفع شود فایده بجهة خورانیدن اسپ برای دفع آزار سرد
و گرم زرد چوب پاو آثار زنجبیل کلان پاو آثار فلفل دراز دو آثار اجواین پاو آثار
رائی پاو آثار کالی زیری دو آثار کالیس دو آثار کٹکی دو آثار بابرنگ پاو آثار اندرجو
دو آثار سمندر پهل دو آثار اجواین کرمانی دو آثار جواکهار گوکل دو آثار سهاگه
دو آثار سجی یک آثار نمک سیاه دو آثار کچریے پاو آثار بادیان پاو آثار هره
زنگی پاو آثار لعل بول دو آثار انگوزه یک آثار

روایت میکنند انیس سالک سلمان فارسی رحمة الله علیه که حضرت رسالت پناه :
صلی الله علیه وآله در مسجد نشسته بود که مردی اعرابی از در درآمد و سلام کرد
مر رسول را و گفت از راه دور آمدم و میسر نمیشود که در خدمت شما باشم
وآمده ام که سوال چند دارم جواب آن از شما بشنوم و بدان راه روم که فرمایند .
رسول گفت سوال کن آن اعرابی گفت میخواهم که داناترین مردمان باشم فرمودند

که از خدا